ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران
دوره سوم

# رنجبر

شهریور ۱۳۹۳ - شماره ۱۱۲
سال ۳۵

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| باج خواهی در دوران احتضار امپریالیسم! صفحه ۹ | درد دل های غم بار یک کارگر زن! صفحه ۱۰ | از هر دری سخنی صفحه ۱۱ | در جنبش جهانی کمونیستی صفحه ۲۲ | تشدید تضاد امپریالیستها صفحه ۲۲ | پیرامون صف آرائی نوین در سطح جهانی صفحه ۲۲ |

## فلسطین: کدام راه حل؟

۶۷ سال از تاسیس اسرائیل به مثابه یک پایگاه امپریالیسم در منطقه حساس خاورمیانه می گذرد. کشتار یهودیان توسط نازیسم آلمان در جنگ جهانی دوم وسوء استفاده صهیونیستها ازاین فرصت باتوجه به نقشه ی طولانی مدت قبل از جنگ جهانی دوم (کنگره صهیونیستها در۱۸۹۷ درشهربازل سوئیس به رهبری تئودورهرتسل) توسط آنان درایجاد چنین کشوری ازطریق جمع و جور کردن یهودیان کشورهای مختلف درآن ، هم راه با یهودیانی که در فلسطین ازقدیم زنده گی می کردند و به راه انداختن ترورعربها، خریدن زمینهای متعلق به فلسطینیان، و تدریجا با قدرت گیری بیشتر و گوشه چشم داشتن استعمارگران انگلیس به آنان درتحقق نقشه های شان زمینه را برای بیرون راندن بیش از یک میلیون فلسطینی و ایجاد کشور جدیدی به نام اسرائیل، آماده نمودند.

اگر به قبل از مداخلات صهیونیستها دردهه های ۱۹۲۰- ۱۹۳۰ برگردیم، ساکنان فلسطین با ادیان مختلف اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی زنده گی مشترکی را درمنطقه پیش می بردند. طبقه کارگرعرب و یهودی درفلسطین سندیکاهای واحد و حتا حزب کمونیست واحدی داشتند و مشترکا براساس مسائل طبقاتی، مبارزات خود را پیش می بردند. با ورود صهیونیستها به منطقه و ایجاد شکاف در جنبش کارگری ازطریق ایجاد سندیکاهای یهودی و به طور عکس العملی، ورود نیروهای بورژوائی عرب درایجاد سندیکاهای کارگری عرب، زمینه مبارزه طبقاتی مشترک ازبین رفت و برعکس زمینه برای رقابتهای کور ملی گرائی آن هم تحت عنوان عرب و یهودی فراهم شد و این تضاد

بقیه در صفحه دوم

## فاجعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی درانتظار!

آن چه چه در زیر ازنظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت بخش کوچکی از آمار و ارقام رسمی و تفسیرهائی است که اقتصاددانان رژیم ارائه می دهند؛ که نشانی هم هست از عمق نگرانی که صاحبان سرمایه درنظام سرمایه داری ایران را فراگرفته است. امری که بدون افزودن کلمه ای بیشتر حاکی از ورشکسته گی و ناتوانی نظام سرمایه داری ایران در برطرف کردن مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و راه نجات مردم ایران از فقر، گرسنه گی ، بی کاری، عدم امنیت شغلی، بهره مندی از آزادی و غیره و نهایتا رهائی از رکود تورمی درآن است که هدایت اقتصادی - سیاسی - اجتماعی کشور به دست با کفایت طبقه کارگر و توده های زحمت کش باید صورت بگیرد تا کلیه مشکلات ناشی از پلیدیهای نظام سرمایه داری درمدت زمان کوتاهی ازبین رفته و ایران در آستانه ی رشد سریع و رفاه نسبی وسیع و گام گذاشتن درراه سعادت و خوشبختی و ازبین بردن فجایع موجود حاکم و دریک کلام استقرارسوسیالیسم و پایان دادن به نحوستهای ناشی از نظام مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله قرارگرفته و با گامهای استواری به پیش حرکت کند.

فجایع موجود درایران که در زیر می آوریم، بخش کوچکی از کل واقعیات دردناک موجوداست و گیر افتادن حاکمان همانند خری در گل و لجنی که به بارآورنده خودشان می باشند!:

**در سال گذشته: ۹۰ درصد از کارگران جان باخته در حوادث کار بیمه نبوده اند**

۹۰ درصد کارگرانی

بقیه در صفحه سوم

## توسل به فلسفه با دیدی خشک مغزانه، بی راهه روی است!

درشماره ۱۷۳ "توفان - ارگان مرکزی حزب کار ایران - مرداد ۱۳۹۳" در مقاله ای به نام "اوکراین درچنگال امپریالیسم غرب"، نویسنده با تاکید درابتدای مقاله دایر بر این که "تحلیل مشخص ازشرایط مشخص تنها راه دست یابی به حقیقت است" و " ما بحران اوکراین و جنگ داخلی منتج آن را نتیجه مستقیم دخالت دول امپریالیستی غرب تحت رهبری آمریکا به منظور تضعیف رقیب امپریالیستی خود، روسیه ارزیابی کردیم"، "حال هستندکسانی و متاسفانه "کمونیست" هائی که این حقیقت را نادیده انگاشته و واقعیات را نه آن طور که هستند بلکه بنابرمیل و ذهنیت خویش، طوری دیگر بیان می کنند." "ایکور ... دراطلاعیه ای به زبان آلمانی برآن است که "دربطن

بقیه در صفحه ششم

## رسانه ها و خشونت

به بیست و ششمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در ایران نزدیک می شویم و هر ساله مراسم یادبود این جنایت و توحش های قبلی و بعدی رژیم جمهوری اسلامی در سرتاسر کشورهائی که ایرانیان در آنجا هستند و نیز در خود ایران به صور مختلف برگزار می شود . دراین مراسم صحبت از کشتارهای گروهها نمی شود. این جانباخته گان درمبارزه و ایستاده گی علیه رژیمی جنایتکار و ضدبشری عزیزترین هدیه خود را به کارگران و زحمت کشان تقدیم کردند و دیگر صحبت از جانباخته گان این یا آن گروه نیست، از مرده خوری نوع اسلامی پرهیز می شود و این دیدگاه درست را باید درمقابله با گروهی گری ترویج کنیم. پاس داری از ایستاده گی جان باخته گان ضد رژیم درایران درس مهمی است برای ادامه تا به آخر مبارزه و سرخم نکردن دربرابر

بقیه در صفحه هفتم

# چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

**فلسطین... بقیه از صفحه اول**

تا به امروز دوام یافته و از زمان تایید تشکیل دو کشور اسرائیل و فلسطین توسط سازمان ملل (۱۹۴۷) دولت اسرائیل نه تنها تشکیل شد، بلکه با تجاوزات مکرر و با حمایت بی دریغ دولتهای امپریالیستی، به کشورگشائی خود ادامه داده و اکنون تا بدان جا پیش رفته که ازکشور مشخص فلسطین عملا مجمع الجزایر تکه پاره شده جدا ازهم درحال تنزل یابی چیزی باقی نمانده است:

مناطق سبز فلسطین و مناطق سفید گسترش کشور اسرائیل را در طول ۶۷ سال اخیر نشان می دهند.

صهیونیستهای حاکم براسرائیل تا به امروز نسبت به قطعنامه های سازمان ملل بی اعتنا مانده، درکشتار و بی رحمی نسبت به خلق فلسطین که برای کسب حقوق پایمال شده اش علارغم رفتارهای فاشیستی دولتهای اسرائیل، لحظه ای تحت رهبری نیروهای سرمایه داری و خرده بورژوازی و مذهبی فلسطین دست از مبارزه نکشیده و تداوم فاشیسم و نازیسم صهیونیستی نیز دائما تحت بهانه ی "ضد یهودی بودن حرکت آزادی بخش فلسطینیان" دامن زده شده است.

اینان با پشت گرمی امپریالیستها گوششان نه به هیچ خواست به حق مردم فلسطین و مردم دنیا بده کار است و نه اعتنائی به آنها گذاشته اند و سیاست خود را دردست یابی به تمامی مناطقی که هنوز دردست فلسطینیان باقی مانده با قلدری و درجنگی به منتها درجه نابرابر ادامه می دهند. نمونه ی بیرون راندن فلسطینیان از اورشلیم که ظاهرا باید پایتخت فلسطینیان باشد ادعای پایتخت اسرائیل بودن منجر به بیرون راندن فلسطینیان ساکن اورشلیم و جای گزینی یهودیان در آن شده؛ وجود فلسطینیان ساکن اسرائیل با حقوق ملیت درجه دوم ادامه یافته؛ شهرک سازی صهیونیستها در بخش باقی مانده از خاک فلسطین طبق نقشه ی آنان درپاکسازی قومی عربها و نهایتا بدون جواب ماندنِ قبول برگشتن فلسطینیان رانده شده به محلهای سکونت سابق خود، ازجمله مجموعه ی حرکتهائی هستند که نشان می دهند صهیونیستها نمی خواهند سری به تن دولت موقت فلسطین و ملت مبارز فلسطین باشد. کما این که درهفته های اخیر که بمباران و توپ باران منطقه غزه را با بی شرمی تمام پیش برده و حتا مدارس و مناطق تحت نظرسازمان ملل و دانشگاه را بمباران کرده اند، هیچ اعتراضی جدی ازجانب امپریالیستها صورت نگرفته و صهیونیستها بنا را براین گذاشته اند که ساکنان غزه را ازخانه و کاشانه شان رانده و به صحرای سینائی که دردست دولت مصراست روانه کنند و بدین ترتیب هم مقاومت مردم غزه را پایان دهند و هم برنامه خود را در نابودکردن مناطق زیرکنترل فلسطینیان و اشغال بیشترسرزمین آنان تحقق بخشند.

نزدیک به ۵۰ سال مبارزه مسلحانه ی نیروهای سیاسی فلسطینی و انواع و اقسام مذاکره آنان با دولت صهیونیستی و کوتاه آمدن شان دردهه ی ۱۹۹۰ دربرابر این دولت تروریست، با بستن قرارداد اسلو، هیچ نتیجه ای جز جری تر شدن صهیونیستها در به دست آوردن امکانات بیشتری علیه رقیب شان نبوده است. و ازآن مهمتر این که حتا نیروهای سیاسی فلسطین اعم از ملی، مذهبی، چپ، حتا قادر به گسترش جبهه واحد خود نشده و دولتهای عربی مرتجع نیز که درگذشته ازجنبش مردم فلسطین پشتیبانی می کردند اکنون در هماهنگی سیاسی با اسرائیل به دو شاخه شدن جنبش مقاومت فلسطین و ضعیف کردن جبهه آزادی بخش فلسطین به مثابه یک نیروی متحد و دموکرات کمک کردند.

اگر خط سیاسی نیروهای مقاومت فلسطینی مطابق با منافع مردم مبارز و حق طلب فلسطین بود و ازپشتیبانی آنان بهره مند، می بایستی گام به گام اتحاد این نیروها افزایش می یافت و علارغم نابرابری درتوازون قوا به سود صهیونیستها، اینان نیز با سیاست مشترک و متحد درست و جلب حمایت طبقه کارگر و زحمت کشان و انسانهای آزادی خواه جهان پیروزیهائی به دست می آوردند!! ناسیونالیسم ملی و ملی ـ مذهبی ورشکسته گی و فساد خود را در فلسطین و دراسرائیل به وضوح نشان داده است.

اینجاست که روشن می شود، پشت کردن به مبارزه طبقاتی، افتادن رهبری مقاومت مردمی فلسطین به دست نیروهای بورژوائی و خرده بورژوائی، و تداوم حاکمیت بورژوازی بنیادگرای مذهبی اسرائیل، جلو رشد مبارزاتی آنان سدی را ایجاد و یا محدودکرده و دیگر بورژوازی و خرده بورژوازی فلسطین و سرمایه داران اسرائیلی رسالت رهبری دفاع از منافع مردم خویش را ازدست داده اند. برای اینکه جنبش مقاومت بتواند براساس منافع مردم حق طلب فلسطین مبارزه را ادامه دهند می بایستی در وحله اول جنبش چپ فلسطین به یک بازسازی اساسی در خط مشی ایدئولوژیک – سیاسی خود دست بزنند .

برخی ادعا می کنند که نیروهای بورژوائی فلسطینی برای کسب استقلال مردم فلسطین مبارزه می کنند! آیا درعصرامپریالیسم فراملی ها و جهانی ترشدن هرچه بیشتر سرمایه و درشرایط ازبین رفتن پشت جبهه ی سوسیالیستی دیگر بورژوازی استقلال طلب چه ازنظر مادی و چه ازنظر سیاسی صاحب آن توانی است که بخواهد به طور جدی و واقعی و نه ادعائی و فرضی ازاستقلال کشورش به فرض رسیدن به قدرت دفاع کند؟ نمونه شرم آور کردستان عراق درجلو چشممان است که دولت آن از مناسبات فشرده با صهیونیستها و امپریالیستها دفاع می کند و کردستان عراق درحدی که اززیر سلطه ی بورژوازی شووینیست عرب عراق رهائی یافته، درزیر پنجه های خونین صهیونیسم و امپریالیسم با شدت بیشتری افتاده است. بنابراین، رهائی ملی دراین منطقه برای کردها کماکان باید دردستور نیروهای مبارز سیاسی مدافع طبقه کارگر و سوسیالیسم آن قراربگیرد. بدین ترتیب

**رهائی فلسطین درگرو انقلاب کارگری است باشرکت فلسطینیها و اسرائیلیان!**

درفلسطین نیز بورژوازی فلسطین برای استقلال فلسطین به معنای واقعی کلمه مبارزه نمی کند. هدفش کسب قدرت و ساخت و پاخت با هر کشور امپریالیستی و حتا صهیونیسم است برای چاق و چله کردن خود و استثمار بی رحمانه ی مردم فلسطین. بنابراین جهانی تر شدن سرمایه راه استقلال ملی را بسته و چاه گیرافتادن در منطقه نفوذ امپریالیسم را درکسوت نئولیبرالیسم کنده و فراهم نموده است.

لذا خلاصه کردن مبارزات مردم فلسطین در حد استقلال آن هم تحت رهبری بورژوازی فلسطین، و پذیرش دو کشور به مثابه راه حل، خود فریبی برای مردم فلسطین بیش نیست. چنین راه حلی مورد قبول طبقه حاکم اسرائیل نیز فعلا به هیچ وجه نمی باشد. اما برگشتن به مبارزه طبقاتی کارگران و زحمت کشان عرب و یهودی درفلسطین سابق، مقدمه ی خوبی برای رشد دادن مبارزه هم علیه صهیونیستهای حاکم به طور عمده و هم علیه بورژوازی سازشکار فلسطینی، روشن ترین سیاست امیدوارکننده واقعی و جدی برای حل معضلی است که بیش از ۶ دهه است زنده گی را به ویژه برای مردم فلسطین تبدیل به جهنمی پایان ناپذیرنموده است.

از دایره منحوس مبارزات بورژوائی باید نیروهای آگاه در فلسطین و اسرائیل بیرون بیایند. آن گاه مشکل حل ناشدنی تا کنونی را می توانند با سرعت بی نظیری با به گور انداختن صهیونیستها و کلیه استثمارگران و ستم گران حل و فصل کنند. صهیونیستها بدون فشار عظیم جهانی هرگز تن به ایجاد دو کشور فلسطین و اسرائیل نخواهند داد! می بینیم که چنین هماهنگی جهانی هم وجود ندارد و بی شرمی های دولتهای امپریالیستی تا بدان جا پیش می رود که حماس و امثالهم را عامل بروز جنگ ذکر می کنند درحالی که دقیقا می دانند جنگ راه انداختن کار صهیونیستهای اسرائیل است برای بیرون راندن هرچه بیشتر فلسطینیان از کشور خودشان و اشغال کامل آن! اگر پرچم خط وحدت کارگران و زحمت کشان فلسطینی و اسرائیلی ازجانب نیروهای کمونیست فلسطین برافراشته شود و کمونیستهای جهان و جنبش کارگری جهان و نیروهای مترقی و آزادی خواه به دفاع از این استراتژی بپردازند، چنان چه درپیشبردآن فرصتی برای ایجاد دوکشوربه طور موقت پدیدبیاید، بدون تردید ازآن موقتا استفاده خواهندنمود. ولی تبلیغ آن آتش پاشیدن بر شعله های مبارزات تعیین کننده طبقاتی می باشد. این راه حل نهائی پایان دهی به درگیریها نیست. و برعکس قبول راه حل ایجاد دوکشور، کشیدن ترمز ماشین مبارزه طبقاتی، درجا زدن موتور این مبارزه در منطقه و نهایتا تحمیل و طولانی تر کردن وضع ناهنجار کنونی می باشد.

*ک.ابراهیم*
*۹ مرداد ۱۳۹۳*

**با قدردانی از کمهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکراین نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضاء وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است درحفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها**

**فاجعه ..بقیه از صفحه اول**

که در حوادث کار طی سال گذشته جان خود را از دست داده‌اند تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی نبودند.

یک مقام مسئول در گفت‌وگو با ایلنا با اعلام این خبر تصریح کرد: تنها ۱۰ درصد از کارگران که در حوادث کار طی سال ۹۲ جان خود را از دست داده‌اند تحت پوشش بیمه سازمان تامین اجتماعی قرار داشتند که این موضوع نشان دهنده بیمه نبودن ۹۰ درصد از کارگران حادثه دیده است.

این مقام مسئول ادامه داد: در سال گذشته حدود هزار نفر از کارگران ساختمانی دچار ضایعه نخاعی شده‌اند که این آمار رقم قابل توجهی محسوب می‌شود.

وی تاکید کرد: شهرداری رقم قابل توجهی را بابت بیمه کارگران ساختمانی از کارفرماها دریافت می‌کنند که این حق بیمه یا در اختیار سازمان تامین اجتماعی قرار نمی‌گیرد و یا آنکه پس از دخل و تصرف شهرداری‌ها به سازمان پرداخت می‌شود.

این مقام مسئول با انتقاد از عملکرد تامین اجتماعی در حوزه بیمه کارگران ساختمانی گفت: سازمان تامین اجتماعی در بخش نظارت بر کارگاه ها برای اجرای بیمه اجباری ضعیف عمل می کند و گاه مشاهده شده است که حتی پس از دریافت حق بیمه کارگران ساختمانی اقدام به بیمه کارگران نمی‌کند.(آسمان دیلی نیوز - ۲۰ مرداد ۱۳۹۳)

**علیرضا محجوب: ۹۰ درصد جامعه کارگری کشور زیرخط فقر زندگی می‌کنند/ ۱۰ درصد نزدیک خط**

رئیس فراکسیون کارگری مجلس گفت: هم اکنون معیشت ۹۰ درصد جامعه کارگری کشور زیرخط فقر بوده و ۱۰ درصد باقیمانده نیز با خط فقر فاصله چندانی ندارند.

«علیرضا محجوب» در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در پاسوج با بیان مطالب فوق، اظهار داشت: شرایط معیشت کارگران در کشور نگران کننده است و با هیچ منطقی نمی توان وضعیت امروز جامعه کارگری را توجیه کرد. هزینه‌های زندگی کارگران بیشتر از درآمدهایشان شده است و در عین حال تقاضا برای نیروی کار نیز کاهش یافته که این وضعیت جامعه کارگری را در فقر بیشتری فرو می برد.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی افزود: در سال گذشته شاهد شدیدترین رکود تورمی بودیم و در دولت جدید نیز هرچند وخامت حال اقتصاد بیمار کشور کمی بهتر شده، اما با نقطه مطلوب فاصله بسیاری داریم.

محجوب با تاکید بر اینکه تورم باید مهار شود تا دولت بتواند برنامه‌های اقتصادی اش را پیاده کند، تصریح کرد: درخواست ما از دولت استمرار توزیع سبد کالا برای کارگران است و انتظار داریم دولت هرچه زودتر این کار را شروع کند.

وی گفت: رکود اقتصاد مربوط به یک دولت نیست و این رکود از سال ۷۲ آغاز و در سال ۷۴ تاکنون شدت گرفته است.

**فاجعه درایران تشدیدقطب بندی نظام سرمایه داری و حکومتی دینی است!**

دبیرکل خانه کارگر ایران، رکود تورمی را بیماری مهلک اقتصاد کشور خواند ...

وی افزود: خروج از رکود تورمی کنونی شاید از خارج شدن از تحریم‌های سازمان ملل سخت‌تر باشد و دولت باید تمامی تلاش خود برای خروج از این وضعیت انجام دهد.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این سوال که وظیفه مجلس در این ارتباط چیست؟ ادامه داد: قفل و کلیدها همه در دست مجلس است. مجلس دولت را وارد پروژه‌های متعدد عمرانی کرده و فکر می‌کند این اقدام منجر به توسعه می شود در صورتی که هیچ کمکی به دولت برای مهار رکود تورمی نکرده‌ایم.

محجوب از کاهش ۱۳ درصدی بودجه دولت برای سال جاری خبرداد و اظهار داشت: دولت تلاش خود برای کاهش رکود تورمی انجام داده، اما مجلس همراهی‌های لازم را در این خصوص نداشته است. (آینه روز - ۷ اوت ۲۰۱۴)

## نابودی طبقهٔ متوسط ایران و پی آمدهایش:

[ باوجودی که قانون نظام سرمایه داری معادل تجزیه هرچه بیشترنیروهای یدی و فکری جامعه طبقاتی در قامت دو طبقه اصلی پرولتاریا و سرمایه دار می باشد و روند رشد و تحکیم سرمایه داری شدن هرچه بیشتر جامعه نیز چیزی جزاین نیست و هم اکنون خانواده های کارگری ۵۰ میلیون از قریب ۷۵ میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و روندسقوط بخش پائینی خرده بورژوازی (بخشی از طبقه متوسط) و گرویدن به صف کارگران و زحمت کشان ادامه دارد. اقتصاد دانانی درایران با دید تلاش برای نجات خرده بورژوازی صدای اعتراض شان را بلند کرده اند، با مطلق کردن "نابودی طبقه متوسط ایران"، نابودی ای که درهیچ کشور سرمایه داری تاکنون رخ نداده، چون که خرده بورژوازی مثل آچار فرانسه ای هست که به درد و نجات نظام سرمایه داری حتا درلحظات مرگ اش درجوامع سوسیالیستی می خورد. لذا این نظام نمی تواند گورکن طبقه متوسط گردد، مگر آن که گور خود را بکند. بنابراین دغدغه ی ازبین رفتن طبقه متوسط، فعلا فقط های و هوئی است برای کم کردن فشار حاکمان بر آن. با این دید تفسیرهای زیر را دراین مورد توسط این صاحب نظران مرور می کنیم - رنجبر]:

رادیو فرانسه : در حالی که دولت حسن روحانی مقدمات اجرای مرحلهٔ دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها را تدارک می‌بیند، اقتصاددانان کشور خواستار تعلیق اجرای این طرح هستند و هشدار می دهند که افزایش مجدد قیمت حامل‌های سوخت ایران را با بحران‌های خطرناکی روبرو خواهد ساخت.

از جملهٔ این اقتصاددانان "محسن رنانی" است که اجرای مرحلهٔ جدید هدفمندی یارانه ها را، به خروج کشور از رکود تورمی مشروط کرده و افزوده است که از جمله پی آمدهای خطرناک اجرای این قانون در شرایط رکود و تورم شدید و مستمر، نابودی تدریجی، اما سهمگین طبقهٔ متوسط ایران بوده است. او تصریح کرده است که افزایش مجدد قیمت حامل های سوخت، باقی ماندهٔ طبقهٔ متوسط ایران را نابود خواهد کرد و این نابودی سرآغاز مصیبتی بزرگ برای کل جامعه خواهد بود.

به گفتهٔ محسن رنانی، نابودی طبقهٔ متوسط تنها به معنای فقیرتر و قطبی تر شدن جامعه نیست. نابودی طبقهٔ متوسط، به گفتهٔ او، به معنای رخت بربستن عقلانیت از رفتارهای اجتماعی به خصوص در زمانهٔ بحران‌های شدید اقتصادی است که راه را یا برای صعود دیکتاتوری نظامی در قدرت یا شورش ها و خشونت های کور سیاسی در کشور هموار خواهد ساخت.

وی در ادامهٔ این استدلال، سیاست های منتهی به نابودی طبقهٔ متوسط در ایران را طی سال های اخیر به منزلهٔ نوعی خیانت تلقی کرده و افزوده است : اگر طبقهٔ متوسط جامعه تخریب شود، مدیریت آیندهٔ اقتصادی ایران به سادگی ممکن نخواهد بود، مضاف بر اینکه اجرای مرحلهٔ دوم قانون هدفمندی یارانه ها موج جدید تورمی را در کشور باعث خواهد شد که حاصلش قطبی شدن جامعه و تشدید «غم نان» و در نتیجه افزایش پرخاشگری و عصبیت اجتماعی و فرو ریختن هنجارهای جامعه است.

محسن رنانی، افزوده است که هدفمندی یارانه‌ها رکود را نیز تشدید می کند، زیرا افزایش مجدد قیمت حامل های سوخت هزینهٔ تولید را افزایش می دهد و افزایش هزینهٔ تولید در اثر افزایش قیمت حامل های سوخت بر شمار واحدهای تولیدی ورشکسته می افزاید. محسن رنانی با استناد به گزارش اخیر خانهٔ صنعت و معدن استان اصفهان نوشته است که تنها ۷۴ درصد واحدهای تولیدی این استان با ظرفیتی کمتر از ۵۰ درصد مشغول کار هستند و متوسط توان فعالیت تولیدی واحدهای اقتصادی ایران از ۳۶ درصد فراتر نمی رود.

همین آمار به گفتهٔ اقتصاددان ایرانی نشان می دهد که صنعت ایران در رکودی عمیق فرو رفته و بی دلیل نیست که در میان ۱۸۰ کشور جهان، ایران از نظر فضای کسب و کار به رتبهٔ ۱۵۲ سقوط کرده است.

در اظهاراتی جداگانه، "عباس شاکری"، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، گفته است: ادامهٔ رکود و تورم در اقتصاد کشور به ناسازه های زیانباری منجر شده است. او گفته است: در حالی که بخش تولید ضعیف شده، بخش های غیرمولد اقتصاد بی آنکه ارزش خاصی تولید کنند، درآمدزا هستند.

عباس شاکری، افزوده است که در کشورهای مختلف درآمد بنگاه های تولیدی همواره بیشتر از بنگاه های مالی و بانک‌هاست. اما در ایران عکس این قاعده حاکم است و همین عامل تشدید رکود و تورم در این کشور به شمار می رود. زیرا، رکود زمانی ایجاد می شود که پول از چرخهٔ صنعتی و تولید وارد چرخهٔ مالی شود. به اعتراف خود بانک مرکزی ایران ادامهٔ این روند رشد سرمایه گذاری در این کشور را طی سال ۱۳۹۱ به منفی ۲۲ درصد کاهش داده است.

در تازه ترین اظهار نظر "عبدالرضا رحمانی فضلی"، وزیرِ کشور دولت یازدهم، با اشاره به نرخ شدیداً منفی رشد اقتصادی ایران در سه سال گذشته گفته است که تا هفت سال دیگر دست کم بین ده و نیم تا یازده میلیون نفر بیکار دارای مدارک دانشگاهی در کشور وجود خواهد داشت که همین برای متزلزل کردن پایه های هر نظامی کافی است. او سپس افزوده است که برای مقابله با چنین درجه و کیفیتی از بیکاری رشد اقتصادی ایران باید برای سالیان متوالی دست کم به ۶,۵ درصد برسد، هر چند با چنین درجه ای از رشد اقتصادی نرخ بیکاری ایران به ده درصد بالغ خواهد شد.

## وضعیت زنان:

در اظهاراتی جداگانه، "شهین‌دخت‌مولاوردی"، معاون رییس جمهوری در امور زنان، **وضعیت اشتغال زنان را بسیار وخیم و نگران کننده تر از دیگر بخش‌های جامعه دانسته و گفته است که ۸۸ درصد زنان جامعه بیکار هستند** [ البته ازنظر این حضرات کاردرخانه زنان ، کاربه حساب نمی آید!!]، **در حالی که بیش از ۱۲ درصد سرپرستان خانوارها را اکنون زنان تشکیل می دهند. با این حال، به اعتراف معاون رییس جمهوری، ۸۲ درصد زنان سرپرست خانوارها نیز بیکار و در**

**معرض آسیب های مختلف اجتماعی هستند.**(تاکید از ما است)

بی دلیل نیست که سوء تغذیه به مشکلی بزرگ در ایران امروز بدل شده تا جایی که ۷۰ درصد مردان و ۵۰ درصد زنان از پوکی استخوان و ۷۰ درصد جمعیت کل کشور از کمبود پروتئین رنج می برند.

در چنین شرایطی دولت حسن روحانی که با کمبود شدید منابع و فقدان درآمدهای مکفی نفتی روبرو است تصمیم گرفته که هم مرحلهٔ دوم هدفمندی یارانه ها را به اجرا بگذارد و هم یارانه‌های بخش‌های وسیعی از جامعه را قطع کند. نه فقط اعضای دولت یازدهم و دیگر مقامات و همراهان نظام اسلامی وسیعاً مردم را به انصراف از دریافت یارانه های نقدی فرامی خوانند، بلکه نیز تهدید می کنند که یارانه های آن دسته از کسانی که دولت "پردرآمد" می نامد به طور خودکار قطع خواهد شد، در صورتی که خود آنان از دریافت یارانه‌های نقدی انصراف ندهند.

"علی طیب نیا"، وزیر اقتصاد و دارایی، گفته است که دست کم ۱۰ میلیون نفر از افراد «پردرآمد» شناسایی شده اند و اگر این افراد برای دریافت یارانه ثبت نام کنند، زمینهٔ حذف آنان از فهرست دریافت کنندگان یارانه فراهم شده است.

با این حال، "محسن رنانی" تأکید کرده است که اگر شمار کسانی که خود داوطلبانه از دریافت یارانه‌های نقدی انصراف داده اند کمتر از ده میلیون نفر باشد، معنای آن این است که طبقهٔ متوسط ایران عملاً نابود شده و این نابودی سرآغاز دوره‌ای نگران کننده از تحولات سیاسی-اجتماعی در کشور است.» (به نقل از آسمان دیلی نیوز ـ ۸ مرداد ۱۳۹۳)

## افزایش ۳۵ درصدی درآمدهای مالیاتی

[درحالی که هیچ آه و ناله ای در کسر مالیات از حقوق ناچیز مزد بگیران نمی شود، ولی اعتراضات درگرفتن مالیات از خرده بورژوازی و بورژوازی به آسمان می رسد. رنجبر]:

به گزارش خبرآنلاین، در حالی که رکود تورمی به دغدغه اصلی دولت بدل شده و گزارش‌های پراکنده از بخش خصوصی نشان می‌دهد که هنوز شرایط تولید مهیا نشده، درآمدهای مالیاتی در قیاس با مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است.

براساس گفته‌های علی عسگری، دولت پیش بینی کرده است تا پایان سال ۶۰ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی محقق شود.

فشار برای دریافت مالیات از واحدهای تولیدی در شرایطی رخ می‌دهد که بنگاه‌های صنعتی کشور دوران رکود اقتصادی را پشت سرمی گذارند و کسب و کار آنها همگی در خطر قرار دارد.

به گفته نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران، « میزان فرار مالیاتی در اقتصاد ایران ۴۰ درصد است. کارخانه‌ها، واحدهای صنعتی، کارمندان و تمامی کسب و کارهای رسمی در ایران فشار مالیاتی را تحمل می کنند در حالی که بخش‌های زیرزمینی، واسطه گری و حتی بخش تجارت قوانین مالیاتی را دور می‌زنند.»

در حال حاضر بر اساس آمارهای مطرح شده در خبرآنلاین، «وضعیت رشد اقتصادی کشور قدری بهبود پیدا کرده ولی دریافت مالیات از واحدهای تولیدی براساس درآمدهای آنها در دورانی انجام شده که رشد اقتصادی کشور منفی ۵.۸ درصد بوده است. در همین دوره زمانی عدد تورم نیز بیش از ۴۰ درصد به ثبت رسیده بود.»

گزارش‌های رسمی مرکز آمار ایران از این نکته حکایت می کند که «تولید ناخالص داخلی» حداقل تا سال گذشته منفی بوده است. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد رشد تولید ناخالص داخلی کشور در ۹ ماهه نخست سال گذشته در تمام فعالیت‌های اقتصادی مانند نفت، صنعت، معدن و خدمات منفی بوده و تنها در بخش کشاورزی رشد اقتصادی مثبت به ثبت رسیده است.

تولید ناخالص ملی در بخش نفت نیز در ۹ ماه ابتدایی سال گذشته منفی ۱۲.۶، در گروه صنایع و معادن منفی ۶.۳، در گروه صنعت منفی ۷.۵ و در گروه معدن منفی ۳ بوده است. آمار تولید ناخالص ملی در تمامی سال‌های ۸۸ تا ۹۰ نیز منفی بوده است.

## طرح‌هایی برای خروج از رکود

در سال جاری، دولت طرح‌هایی برای خروج از رکود ارائه داده است، که فشار برای دریافت مالیات یکی از آنهاست. این در حالی است که گفته می شود اگر «فشار بر همه واحدهای تولیدی همچنان افزایش پیدا کند، امکان بهبود کسب و کار برای فعالان اقتصادی وجود نخواهد داشت.»

علی عسگری سال گذشته نیز گفته بود یک چهارم اقتصاد ایران مالیات پرداخت نمی‌کند. به گفته وی، نسبت دریافت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشور ۶/۷ درصد است، در حالی که میانگین این رقم در جهان ۱۷ درصد است.

دولت در سال‌های اخیر هرگاه خواسته که مالیات اصناف را اضافه کند با مقاومت روبه‌رو شده است.

اعتصاب پارچه‌فروشان و طلافروشان بازار بخشی از این ماجرا است. صنف طلافروشان در سال‌های گذشته کمی بعد از ارائه اظهارنامه‌های مالیاتی و وصول میزان مالیات پرداختی، کرکره‌های مغازه‌های خود را پایین کشیده‌اند تا جدالی تازه با سازمان امور مالیاتی را کلید زده باشند.

اعلام افزایش دریافت های مالیاتی با وجود رکود اقتصادی در سال جاری در حالی است که بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی بانک مرکزی، نرخ تورم در تیرماه ۱۳۹۳ افزایش یافته و به ۳/۲۵ درصد رسیده است. کاهش نرخ تورم و میزان نرخ رشد اقتصادی با میزان تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه ملی رابطه مستقیم دارد. هرگاه که رشد اقتصادی افزایش یابد نشانه افزایش تولید داخلی و چنانچه رشد اقتصادی کند و یا متوقف شود، بیانگر کاهش میزان تولید ناخالص داخلی است.

گزارش‌های رسمی طی سال های ۱۳۹۰ به بعد نشان می دهد اقتصاد ایران در سه سال گذشته وضعیت نامساعدتری پیدا کرده است. (همانجا)

## اطلاعات مرکز آمار ایران از وضعیت صنعت در سال ۹۱

خبر آنلاین: بخشی از آمارهای منتشرشده مرکز آمار ایران که مربوط به سال ۱۳۹۰ است نشان می‌دهد از همین سال افت در میزان سرمایه‌گذاری بخش صنعت شروع شده بود.

برجسته ترین رویدادی که صنعت ایران در آخرین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران که مربوط به سال ۱۳۹۱ است آن را تجربه کرده کاهش ۵۳درصدی تعداد واحدهای صنعتی راه‌اندازی شده‌است.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین این کاهش نسبت به سال ۱۳۹۰ در حالی است که هر کدام از واحدهای صنعتی سالانه ۴,۱ میلیارد تومان می‌توانند ارزش افزوده به اقتصاد ایران اضافه کنند. میزان ارزش افزوده هر کدام از شاغلان این بخش نیز سالانه ۵۰,۲ میلیون تومان است. با وجود چنین پتانسیلی در بخش صنعتی ایران اما آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تعداد پروانه‌های بهره‌برداری صادره برای واحدهای جدید راه‌اندازی‌شده در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال قبل از آن دو هزار و ۱۸۰ واحد کمتر بوده است.

در حالی که در سال ۱۳۹۰ بیش از ۶۲۹۲ پروانه جدید صادر شده بود اما در سال ۱۳۹۱ در مجموع ۴۱۱۲ پروانه

صادر شد که مقایسه این دو رقم حاکی از کاهش ۵۳درصدی در صدور پروانه‌های جدید بخش صنعت است. این افت در حالی بوده که تا سال ۱۳۹۰ بهره‌وری کارگاه‌های صنعتی (نسبت ارزش افزوده به تعداد کارگاه) ۴,۱ میلیارد تومان بود که در آن زمان نسبت به سال ۱۳۸۹ بیش از ۲۹ درصد رشد داشت. در واقع با وجود میزان بهره‌وری و ارزش افزوده قابل توجه در بخش صنعت اما تعداد واحدهای جدید راه‌اندازی‌شده در این بخش در سال ۱۳۹۱ وضعیت چندان مناسبی نداشت و حتی نسبت به سال قبل از آن هم کمتر شد.(همانجا)

## مصرف ۹۲ درصد از منابع آب کشور در قبال برداشت یک سوم محصول کشاورزی

بخش کشاورزی با اختصاص ۹۲ درصد از منابع آبی کشور و بالاترین رتبه مصرف کنندگان به خود، تنها توانسته معادل یک سوم استاندارد مصرف آن، محصول از زمین های تحت کشت برداشت نماید.

به گزارش ایرنا، اهمیت اصلاح الگوی مصرف آب در بخش کشاورزی موضوعی است که اگر نسبت به آن بی توجهی شود در آینده نه چندان دور مشکلات کم آبی اثرات جبران ناپذیری بر سایر بخش های تولیدی و تامین آب مشروب مردم خواهد داشت.

براساس آمار و اطلاعات منتشره، از ۱۶۴ میلیون هکتار کل اراضی کشور، درحال حاضر ۱۸,۸ میلیون هکتار در چرخه تولید محصولات کشاورزی قرار دارد.

از این مقدار حدود ۸ میلیون هکتار به صورت آبی و حدود ۶,۳ میلیون هکتار به صورت دیم و بقیه به صورت آیش آبی و دیم مورد بهره برداری قرار دارند. در ارتباط با منابع آب نیز از حدود ۹۳ میلیارد مترمکعب منابع آب مصرفی کشور حدود ۸۶ میلیارد مترمکعب به حساب مصارف کشاورزی منظور می گردد.

بخش کشاورزی با ۹۲ درصد بزرگترین و مهمترین مصرف کننده آب در کشور به شمار می رود. بیش از ۸۰ درصد اتلاف منابع آب به دلیل عدم استفاده از تکنولوژی های پیشرفته آبیاری در این بخش به هدر می رود.

حمید چیت چیان وزیر نیرو در این باره می گوید: بازده آبیاری در کشور ۳۳ درصد ولی در کشورهای همسطح و یا پایین تر از ایران بیشتر است، به عنوان مثال بازده آبیاری در لیبی، هند، مصر و سوریه به ترتیب ۶۰، ۵۴، ۵۳ و ۴۵ درصد است.

به گفته وی متوسط مصرف آب کشاورزی در ایران ۹۲ درصد و این رقم در جهان ۷۰ درصد است و متوسط تولید محصول به ازای یک مترمکعب آب در ایران بین ۹۰۰ گرم تا یک کیلوگرم ولی در جهان ۲,۵ کیلوگرم است.

بنابر آمارهای موجود با مصرف ۹۲ درصدی آب در بخش کشاورزی نه تنها موجب از بین رفتن بخش کشاورزی، فرونشست زمین و جابجایی جمعیتی می شود بلکه خروجی محصول نیز به تناسب سایر کشورها بسیار ناچیز است.(همانجا)

**[تو خود حدیث مفصل بخوان ازاین مجمل!! رنجبر]**

به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www. ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.
org/01_ranjbaronline

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
http://www.yudu.com/
library/16050/Ayeneh-
Rooz-s-Library

**نقد توفان... بقیه از صفحه اول**

اروپا منافع متضاد امپریالیستها برای کسب هژمونی اقتصادی، سیاسی و نظامی به هم برخورد می کنند." " یعنی هم امپریالیسم غرب و هم امپریالیسم روسیه هر دو به جان اوکراین بدبخت افتاده اند و **هر دو به یکسان مقصراند**.(تاکید از ما است).

"تحلیل ما مشخص است: روسیه امپریالیست است. امپریالیستی ضربه خورده و تضعیف شده. اما آن چه در اوکراین و یا کریمه گذشته و دربرابر ما قرار دارد، ادامه سیاست تجاوز گرانه و وسعت طلب امپریالیسم غرب و به ویژه امپریالیسم آمریکاست که قصد حاکمیت مطلق و بی منازع بر دنیا دارد.»

بعد از این تحلیلها نویسنده درنشریه توفان دست به فلسفیدن آن هم با زیر پا گذاشتن «تحلیل مشخص ازشرایط مشخص» که ظاهرا به آن باور دارد، می زند. اگر استدلالهای بعدی این نویسنده دایر بر این که اعلامیه ایکور «قانون علیت (علت و معلول) را نادیده انگاشته» و»آنان که تز «مساله اوکراین دعوای دو امپریالیسم است» را بیان می کنند... عین ایده آلیسم است.» که جدل درمورد تک تک این اظهارفضل ها مثنوی ۷۰ من کاغذ می شود و به همان تحلیل مشخص از شرایط مشخص اکتفا می کنیم.

ضمنا دراین شماره رنجبر ما عین اعلامیه ایکور درمورد اوکراین و کریمه را با ترجمه از زبانهای غیرآلمانی و مقاله ای درمورد «تشدید تضادامپریالیستها» آورده ایم تا خواننده گان گرامی رنجبر به قضاوت نشسته و ببینند آیا ادعای نویسنده مقاله درتوفان حقانیت دارد و وضعیت مشخص اوکراین دراین اعلامیه درنظر گرفته نشده، یا نه تتبعات زورکی و خشک مغزانه فردی است که بحثی نه علمی بلکه ذهنی را با اتهام زدن پیش می برد. و اما :

تحلیل مشخص: ازنظر تئوریک کمونیسم علمی درهرپدیده بغرنجی تضادهای گوناگون و ازجمله درهرشرایط مشخص تضاد اساسی و تضادهای غیراساسی را بررسی می کند و تحلیل مشخص را درنظرگرفتن تمامی این تضادها و تعیین مقام آنها بیان می کند و نه چسبیدن به یک جنبه از تضاد و ازجمله تضاد اساسی و به فراموشی سپردن تضادهای دیگر - نظیر آن چه که احسان طبری درجنگ جهانی دوم در رابطه با امتیازدهی نفت شمال به شوروی درمقابل امتیاز نفت جنوب داده شده به انگلیس استدلال کرده بود!! امپریالیستها درامرجهان خواری باهم به رقابت می پردازند و می کوشند تا مناطق تحت نفوذ خود را ازجمله ازطریق به دست آوردن مناطق نفوذ امپریالیستهای رقیب گسترش دهند و این امری پذیرفته شده و اثبات توسط کمونیستهاست و ادعائی صرفا ذهنی نیست. اتفاقا اگر بخشی ازامپریالیستها قوی و بخش دیگری ضعیف شده باشد، فرصت برای درآوردن مناطق زیر نفوذ

**رقابت در مناطق نفوذ امپریالیستی، سرچشمه جنگ جهانی دیگر!**

امپریالیستهای ضعیف برای امپریالیسم قوی مناسب تر می شود. اما در رابطه با اوکراین، اگر روسیه منافعی در اوکراین نداشت وارد برخی اعمال نمی شد که تاحد تمرکز نظامی درمرزهای اوکراین پیش رفت، کما این که درمورد تجاوز به لیبی تماشاگر اوضاع تجاوز امپریالیستها ماند. درست است که شروع کننده ی دخالت در امور اوکراین متوجه امپریالیستهای غرب است. بنابراین جایگاه معلول دادن به روسیه در اوکراین درکی سطحی از تضادهای موجود در اوکراین می باشد و تطهیر کامل دخالتهای روسیه در اوکراین، هرچندهم که دخالتگرعمده نمی باشد. معلول دراوکراین دولت ساقط شده طرفدار روسیه ومردم اوکراین می باشد. مردمی که با روی کار آمدن دولت فاشیستی عروسکی امپریالیستهای غربی دچار مصیبتی عظما شده اند.

شرایط مشخص: اوکراین به دلایل گوناگونی منطقه مهم استراتژیکی است که به قول پوتین «اگر درآن موشکهای ناتو مستقرشوند درعرض ۱۰ دقیقه بعداز شلیک به مسکو می رسند» (نقل به معنا) و این برای روسیه قابل تحمل نیست. فراموش نکنیم که دولتهای روسیه از زمان رژیم تزاری همیشه درفکر داشتن کشورهای هم مرز زیر نفوذ خود، به مثابه حریم دفاعی خود توجه داشته و ازجمله درایران گفته می شد که از زمان پطر کبیر دست یابی به آبهای گرم خلیج فارس در مدنظر دولتهای روسیه بوده است. دراعلامیه ایکور مشخصا به دخالت گری امپریالیستهای غربی درکشاندن اوکراین به اتحادیه اروپا و کلا زیر نفوذ خود به روشنی اشاره شده است. هم چنین روسیه برای ممانعت ازاین تهاجم، ابتدا با تمرکزنیروهای مسلح اش در منطقه شرق اوکراین و بوجودآمدن دولت محلی درکریمه شروع کرد و کریمه را پس از رفراندومی وتقاضای حاکمان جدید کریمه فی الفور به عضویت درفدراسیون روسیه پذیرفت و حتا دربخش شرقی اوکراین نیز درابتدا حرکتهائی برای جداشدن از اوکراین توسط روس زبانان صورت گرفت، ولی دولت و دومای روسیه برای جلوگیری از شدت یابی بیشتر تضادش با آمریکا و اتحادیه اروپا کوتاه آمدند و عضویت دواستان شرقی اوکراین در فدراسیون روسیه فعلا مسکوت مانده است.

این واقعیات نشان می دهند که هم امپریالیستهای غربی و هم روسیه امپریالیست برای کسب و یا حفظ منافع خود در اوکراین دخالت کرده اند. ولی در هیچ جای اعلامیه ایکور نمی توان کلمه ای یافت دایر به یکسان مقصر دانستن آنها و این از تراوشات مغز اتهام زن نویسنده مقاله می باشد. حزب ما هم که این اعلامیه را امضا نموده، محکوم کردن هر دوجانب امپریالیستی را دلیل بر یکسان مقصربودن آنها ندانسته و اگر به مجموعه افشاگریهای تبلیغاتی حزب رنجبران درمورد تجاوز گری امپریالیستهای غربی رجوع شود این واقعیت به عیان دیده خواهدشد.

به همین دلیل به راه انداختن « توفانی دریک فنجان» کارکمونیستهائی که تا بدانجا هم دغدغه دارند که حتا درجست و جوی علت ذهنی بروز اشتباهات به فلسفه رجوع می دهند، این نهایت بی تدبیری می باشد. این نویسنده به جای جست و جوی وحدت نظر با دیگر کمونیستهائی که سعی می کنند هم با تحلیل مشخص و هم با متحدشدن، جنبش کمونیستی و کارگری را از مرداب رویزیونیستی و تفرقه درآورند، به جای مثبت دیدن این اعلامیه به دنبال بهانه ای است تا تفرقه را دامن بزند. کما این که این انسان ظاهرا تیز بین چرا در زیر همین مقاله اش شعار « به حزب کارایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید» را نمی بیند که «تحلیل مشخص از شرایط مشخص « حزب سازی درایران درشرایط کنونی نیست. درحالی که کارگران مبارز آگاه درایران از مسئله ایجاد حزب با قدرت تمام دفاع می کنند، احزاب موجود چپ را به عنوان حزب کمونیست قبول ندارند و «حزب طبقه کارگر» شما هم سوزنی به خود یا جوال دوزی به آنها نمی زند و فعلا سکوت کرده است تا ببیند اوضاع چه گونه تحول خواهدیافت!؟ بنابراین از این رفیق توفانی می خواهیم نقد را با حرکت از واقعیت عینی بنویسد و نه با برداشت دگماتیکی و خشک مغزانه و اتهام زنی که درآن صورت نه تنها نقدی دیالکتیکی نیست و جای آموزش ازآن هم نیست، بلکه تبلیغ دشمن تراشی می باشد. رفیق نویسنده باید توجه داشته باشد که:

**چشم نامحرم نبیند روی معنا را به خواب**
**چون که درهر کان دُر و درهرصدف دُردانه نیست!**

**تفسیر روز رنجبر-**
**۱۱ مرداد ۱۳۹۳**

رسانه ها و خشونت... بقیه از صفحه اول

استثمارگران و ستم گران. درعین حال، آنچه که امسال برجسته تر شده است رشد ابعاد جهانی خشونت و کشتار ودیگر تبعات آن است.

با توجه به وضعیت کنونی جهان و فشار سرمایه داری امپریالیستی برای به بربریت کشیدن بشریت. مدتی است که در اینترنت و تلویزیون ها و دیگر رسانه های گروهی عکس ها و فیلم هائی نشان داده می شود که ادامه فرهنگ هفت تیرکشی فیلم های آمریکائی ولی به صورت واقعی و بی رحمانه تر است. فیلم هائی که در آن اعدام های واقعی دسته جمعی و سربریدن انسان ها و شکنجه های خیابانی نمایش داده می شود و تصادفا هم همه این فیلم ها از اتفاقات جهان سوم گرفته شده است . اگر قبلا دولت ها اتاق هائی برای شکنجه داشتند حالا در خیابان ها افراد را حلق آویز می کنند و سر می برند و کودکان هم شاهد ان این جنایات هستند . ادامه این نوع اطلاع رسانی خشونت آمیز به مردم که همراه است با اخبار آن، اهداف سیاسی و فرهنگی مختلف و معینی را دنبال می کند. اولین مسئله این است که دولت های حاکم بر رسانه های اکثر کشورهای جهان با چنین تبلیغاتی در خدمت اهداف سیاسی خود موافقت دارند. دومین مسئله این است که آنها با عادی نشان دادن خشونت از طریق نمایش هر روزه آن قصد دارند تا جنایات خود را علیه مردم جهان کمرنگ کرده و کینه و نفرت مردم جهان را با تکرار و بمباران خبری به خود مردم برگردانند (مثل اینکه این روز ها برخی ها می گویند تقصیر خود ماست و یا از بی فرهنگی خودما است و غیره). سوم و مهمتر اینکه نشان دادن بی رحمی بیش از حد و حساب این نوع عکس ها و فیلم ها قصد ایجاد جو ترس و وحشت عمومی و عدم امنیت اجتماعی را دارد، به نحوی که هیچ کس جرات اعتراض و مبارزه به وضع موجود را نیابد . اینکه امپریالیست ها با تکیه و سازماندهی نیروهایی که می توانند چنین خشونت های قرون وسطائی را مانند داعش و طالبان، جمهوری اسلامی و اسرائیل انجام دهند عکس العملی ناشی از فشار عظیم نیروی انقلاب جهانی است ، نیروئی که بالقوه در همه جا حضور دارد و در حال تکامل به یک نیروی متحد بالفعل جهانی است. مارکس می نویسد «وقتی انقلاب قدرت می گیرد و رشد می کند ضد انقلاب نیز صفوف خود را علیه انقلاب

**جان باخته گان کمونیست تعلق به طبقه کارگردارند و نه گروهها!**

فشرده تر و قهر آمیز تر می کند» و این آن چیزی است که در جلوی چشمان میلیون ها مردم جهان دارد اتفاق می افتد . اما مردمی که تحت رهبری پیشرو ترین و مترقی ترین حزب خود نبوده و یا متشکل نیستند با اعتراضات خود همیشه دشمنان خود را تاحدی می ترسانند، وضع موجود را به هم می ریزند، اما امکان اینکه کار را با دشمنان قسم خورده و سرمایه داری یکسره کنند را پیدا نمی کنند . نیروهائی مانند داعش ها نه اولین و نه آخرین آنها خواهند بود. ولی خشونتی که آنها به نمایش می گذارند نمایشی است از شدت تضادهای جهانی و منطقه ای بین امپریالیست ها با هم ، بین خلق ها و امپر یالیست جهان ، بین دولت ها با کارگران و زحمتکشان کشورها و به طور خلاصه شدت تضاد بین کار و سرمایه . توسل سرمایه داری جهانی به خشونت و ایده های مذهبی ، ناسیونال شووینیستی و مرد سالار و نژاد پرستی و غیره می تواند انقلاب سوسیالیستی را به عقب بیاندازد ولی قادر نیست جلوی پیروزی تاریخی آنرا بگیرد . رسانه های امپریالیستی بسیار مزورانه عمل می کنند آنها با نشان دادن بی رحمانه ترین صحنه ها با تحقیر مردم کشورهای جهان سوم پیامی هم در حق دادن به خود دربرابر مردمان کشورهای امپریالیستی که از غارت کشورهای پیرامونی متمتع می شوند می فرستند. آن پیام هم این است: «ببینید چه کشور آرام و دموکراتی برایتان ساخته ایم». کار دیگری که آنها انجام می دهند تبلیغ عدم خشونت در بین ستمدیده گان و استثمار شوندگان درکشورهای خودی و به کار برد بی در و پیکر آن علیه همین ستمدیدگان و استثمار شوندگان درکشورهای جهان سومی است. در واقع آنها با نشان دادن این صحنه ها در رسانه های گروهی به مردم خود مرگ را نشان می دهند تا آنها را به تب بگیرند و چنین است که حتی با رشد بحران اقتصادی بسیاری از کشورهای امپریالیستی و سقوط دستمزدها، کارگران این کشورها هنوز از زیر بار مجموعه ای از سرکوب های نظامی، اقتصادی و فرهنگی کمر راست نکرده اند. این روزها وقاحت کلمه دقیقی برای توضیح رفتار بسیاری از رهبران دولت های جهان نیست زیرا که آنها دیگر خود را تابع هیچ معیار انسانی و حتی اجتماعی شناخته شده عصر جدید نمی بینند. به طور نمونه، نتانیا هو نخست وزیر صهیونیست اسرائیل در جلوی دوربین رسانه های گروهی جهانی می گوید ما در «غزه به دنبال کشته و زخمی های بیشتری هستیم «و چند روز بعد یک هدیه ۲۰۰ میلیون دلاری از جانب دولت آمریکا دریافت می کند دولتی که رئیس جمهورش جایزه صلح نوبل را هم دریافت کرده است ! از زمانی که جامعه طبقاتی پا به عرصه وجود گذاشته است مبارزه بین طبقات و نتیجتا خشونت ناشی از این مبارزه همزاد جامعه های بشری بوده است. به این مفهوم خشونت زائیده جامعه طبقاتی است و اشکال و ابعاد و شدت آن هم بستگی به شدت مبارزه طبقاتی و قدرت های درگیر در این مبارزه دارند. تاریخ جوامع بشری مملو است از قتل عام های متعدد تا حد از بین رفتن اقوام، ملت ها و مهاجرت های میلیونی، غیرقابل کشت کردن زمینهای کشاورزی و به نابودی کشیدن ده ها جامعه متمدن در طول تاریخ . آن چیزی که اشکال و نحوه به کار برد خشونت را سمت داده است به چندین فاکتور اجتماعی از جمله سطح مبارزه طبقاتی و شدت آن، سطح نیروهای تولیدی، غارت افسارگسیخته منابع طبیعی و ابزارهای خشونت و نیز فرهنگ عمومی و دولت ارتباط دارد. حضور دولت نه تنها خشونت را در جامعه پایان نداده است بلکه آنرا به نفع طبقات حاکمه تحکیم کرده است . به طور مثال زمانی که جوامع انسانی درحالتی ابتدائی زندگی می کردند و تازه در حال شکل دادن به تمدن به مفهوم مناسبات تعیین شده اجتماعی بودند نوع خشونت هم بسیار بربر منشانه و از بی رحمی خاصی برخوردار بود مثلا کشتن با سنگ دقیقا نشانی از دوران بربریتی دارد که نه تنها ابزار کشتن موجود نبود بلکه کشتار های عمومی اساسا ناشناخته بود. اما با رشد جوامع در عرصه های مختلف از ابزارهای تولیدی تا مناسبات آن و فاصله گیری آن از دوران قرون وسطا و بربریت، اشکال مبارزه طبقاتی و خشونت ناشی از آن تغییر پیدا کرد اما اصل مسئله یعنی سرکوب طبقه ای علیه طبقه دیگر همچنان پایدار ماند و حتی تشدید شد. در حقیقت خشونت به صورت یک ابزار در جوامع برای سرکوب نهادینه شد. نکته دیگر اینکه خشونت به لحاظ کمی و کیفی رشد کرده است. مثلا در جنگ دوم جهانی۵۰ میلیون نفر از مردم جهان کشته شدند در حالیکه بزرگترین کشتارهای تاریخ قبل از سرمایه داری اصلا در این ابعاد نبودند. بعد از دوران قرون وسطا در عین اینکه خشونت به لحاظ کیفی و کمی رشد کرد ولی در اشکال خود نرمتر شد دیگر در میدان ها افراد را در میان آتش نمی سوزاندند و یا طعمه حیوانات وحشی نمی کردند کشتار و سرکوب اشکال مخفی و علنی و با استفاده از ابزارهای اجتماعی همچون اهرم های اقتصادی و فرهنگی و زندان و رسانه ها به جلو سوق داده می شد . اعدام ها در درون زندان ها انجام می گرفت و سعی می شد کمتر اعدام و شکنجه صورت بگیرد اما تا زمانی که بورژوازی در حال رشد و تحکیم خود بود این روند ادامه داشت ولی با اولین بحران های سرمایه داری به ویژه در دوران امپریالیستی آن خشونت نه تنها از ابعاد ملی و منطقه ای خارج شد بلکه شکل جهانی بخود گرفت و ناشی ازاین اصل که هیچ راهی دیگر در آینده جوامع به غیر از سوسیالیسم و یا بربریت جلوی پای بشریت زحمتکش و کارگر نیست خشونت نیز اشکال و ابعاد بربریت و توحش سرمایه را بخود گرفته است.

در این میان رسانه های معظم جهانی برای آماده سازی سیاست های بورژوازی امپریالیستی سخت فعال هستند .قریب به اتفاق روزنامه های رنگارنگ بعلاوه صدها شبکه رادیو و تلویزیونی ، سینما ، اینترنت همه بصورت مستقیم و غیرمستقیم وابسته و یا در خدمت شرکت های فراملی و قدرت های بزرگ سیاسی و نظامی جهان هستند. از این زاویه می توان آزاد گذاشتن دست انواع و اقسام خشونت گران طالبان و داعش و.... را در نشان دادن و جهانی کردن هر چه بیشتر بی رحمی های قرون وسطائی فهمید. به طور مثال وقتی غرب تصمیم گرفت که وضع لیبی رابه هم بریزد و قذافی را بکشد و همین وضع کنونی را بوجود بیاورند همه رسانه های غربی به طور متمرکز چند هفته روی پرواز هلی کوپتر های دولت لیبی و بمباران غیر نظامیان تبلیغ کردند. بعدها معلوم شد که اخبار از اساس دروغ بوده است و هیچ هلی کوپتری مردم را بمباران نکرده است و یا اینکه دورغ بزرگ تسلیحات کشتار جمعی دولت عراق قبل اشغال بود .که بعد از اشغال عراق معلوم شد که دولت آمریکا آگاهانه با جعل اخبار و بمباران خبری نه تنها در آمریکا بلکه در اکثر کشورهای غربی و متحد آمریکا سیاست اشغال عراق را پیش بردند .

روند اوضاع و تشدید بحران سرمایه داری نشان می دهد که خشونت در حال رشد است آنهم نه توسط مردم بلکه فقط و فقط توسط دولت های امپریالیستی و دولت های مرتجع و مزدوران مواجب بگیر و یا بی جیره و مواجب آنها اعم از دولت های و یا گروههای سیاسی چه در اپوزیسیون و چه در دولت هااست. آخرین دست از برخورد رسانه

های جهانی را در جنایات اسرائیل در بمباران مردم بی دفاع غزه می توان دید. رسانه های غربی اساسا ماهیت کشتار و جنایات اسرائیل را که حدود ۷۰ سال ادامه دارد به تروریست بودن حماس و به رسمیت نشناختن اسرائیل خلاصه می کردند و درحالی که زنان و کودکان غزه بی رحمانه قتل عام می شدند، موضوع موشک پرانی حماس را برجسته می کردند که کمترین صدمات را به مردم اسرائیل وارد نمود. البته رسانه های جهان وظایف مختلفی را تحت لوای منافع سرمایه داری جهانی جلو می برند ولی اصلی ترین وظایفی را که پیش می برند، کنترل و هدایت افکار عمومی از زندگی خصوصی تا اجتماعی است و به خاطر پیشبرد این وظیفه آنها همه معیارهای انسانی را درهم شکسته اند. دروغ گوئی و جعل و وارونه جلوه دادن حقایق از کارهای روزمره و همیشگی آنهاست. آنها با پشتوانه های مالی و سیاسی که دارند اجازه حضور هیچ رسانه ی مستقلی را در سطح وسیع اجتماعی نمی دهند و خبرنگاران مترقی با سانسور و اخراج روبرو هستند. رسانه های بزرگ امروز وظایف سیاسی و فرهنگی دولت ها را هم جلو می برند. به طورنمونه آنها با بزرگ کردن افراد و یا نیروهای خاصی سعی به کمک در بزرگ کردن آن می کنند مثال برخورد بی بی سی به انقلاب ایران و برجسته نمودن خمینی در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ نمونه بارزی از این برخورد است. اگر در دوران رقابت آزاد بورژوازی، رسانه ها یکی از ابزار دموکراسی و نقش درهم شکستن جامعه بسته فئودالی را داشت. امروز در عصر گلوبال رسانه های جهانی حامل گندیده ترین افکار و سیاست های بورژوازی بین المللی و قدرت های امپریالیستی و مرتجعین می باشد. و به همین دلیل امروز مدیای جهانی مورد شک و تردید و سوء ظن مردم جهان است. مردم جهان امروز نگران بچه های خود هستند بچه هائی که روزمره شاهد سربریدن انسان توسط انسان و قتل عام های مردم توسط نیروهای مرتجع اسلامی و بنیادگرا هستند و این سیاستی که دنبال رشد خشونت و بی مسئولیت کردن نسل های آینده بشری است، قصد آن دارد که با پرورش خشونت روانی جوانان را به قصابان بی رحم برای سرکوب و کشتار مردم زحمتکش و معترض جهان امروز و سربازان خوبی برای ارتش های جنایتکار تبدیل کنند.

**غ.ع. -**
**مرداد ۱۳۹۳**

# باج خواهی در دوران احتضار امپریالیسم!

[به اخاذیهای امپریالیسم آمریکا پس از تصویب قرارداد برتن - وودز درسال ۱۹٤٤ که درآن دلار ارزشی معادل طلا را یافت و کشورهای جهان برای خرید نفت و گاز و غیره می بایستی با دلار پرداخت می کردند و لذا مجبور بودند دلار ازآمریکا بخرند و ازاین طریق میلیاردها دلار سالانه مفت و مجانی به جیب امپریالیسم آمریکا می رفت. یا تصمیم های مکرر دولت آمریکا به جریمه شرکتهائی که بدون توجه به تحریم خود سرانه این دولت از کشوری ، با آن به معامله پرداخته بودند نیز یکی از اخاذیهای دولتی است که هیچ قانونی بین المللی چنین حقی را به او نداده است که دست به تحریم کشورهائی بزند و درعین حال به کشورها و شرکتهای دیگری که مایل به قبول این تحریم نیستند، جرمی خودسرانه ازجانب دولت آمریکا تحمیل شود و بالاخره چاپ اسکناس اگر درگذشته برمبنای پشتوانه طلا بود، آمریکا دهها سال است که بدون داشتن پشتوانه لازم به چاپ اسکناس دلار می پردازد و این اسکناس که جز کاغذ چاپ شده ای نیست ارزش معادل طلا را می یابد. و بالاخره پولهائی که دیگر کشورها ازجمله ایران به علت فروش نفت و غیره در بانکهای تحت نفوذ آمریکا گذاشته اند توقیف می شود. بدین ترتیب دزدهای سرگردن گیر و از جمله علی بابا و ٤٠ دزد بغداد را باید دربرابر دزدیهای هزاران میلیارد بار بیشتر از آن دزدیها، روسفیدنمود که شاه دزد در واشنگتون فعلا روزانه به این اخاذیها ادامه می دهد و این نشانی است که زنده گی این قلدری مدرن رو به پایان بگذارد و از باج گیر امپریالیستی حضوری باقی نماند!! رنجبر] حال به ورشکسته گی سیاسی این ابرقدرت امپریالیستی نظری بیافکنیم:

## سنا مانع دست یابی ایران به بخشی از دارایی مسدود شده اش می شود

صدای آمریکا: وب سایت آمریکایی واشنگتن فری بیکن (Washington Free Beacon)، که به دیدگاه های محافظه کاران آمریکایی نزدیک است، روز جمعه ۲۵ ژوئیه در گزارشی به قلم ادم کردو، نوشته است سناتورهای آمریکایی می کوشند کاخ سفید را از آزاد کردن ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار دیگر از دارایی مسدود شده ایران بازدارند، مگر آن که دولت آمریکا به قانون گذاران اطمینان دهد که تهران این پول را صرف حمایت از تروریسم نخواهد کرد. ادم کردو نوشته است که این گزارش را براساس نسخه ای از طرح قانونی جدید، که دراختیار واشنگتن فری بیکن قرار گرفته، تهیه کرده است.

به نوشته فری بیکن، این طرح قانونی که اوائل هفته آینده رسماً برای بررسی به سنا ارائه خواهد شد، پس از آن تهیه شد که دولت اوباما تصمیم گرفت در قبال موافقت ایران با تمدید مذاکرات اتمی تا ماه نوامبر، ایران بتواند به ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار دیگر ازدارایی های خود که به دلیل تحریم ها مسدود شده، دست یابد.

این گزارش ادامه می دهد، این بار نیز مانند چند ماه گذشته که ایران توانسته است به ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار از موجودی مسدود شده اش دست یابد، استفاده از این دارایی مهار ناشده است. به این معنی که ایران می تواند در صورتی که بخواهد این پول را برای اقدام های تروریست خود که حمایت از حزب الله، حماس و دیگر فعالیت های یاغی منشانه را دربر می گیرد، به مصرف برساند.

...

این طرح که امضای مارک کرک، سناتور جمهوری خواه از ایلی نوی، کلی ایوت، سناتور جمهوری خواه از نیو هیون، و جان کارنین، سناتور جمهوری خواه از تگزاس را بر خود دارد، اختیار پرزیدنت اوباما را به عنوان رئیس قوه مجریه، در چشم پوشی از تحریم ها و آزاد کردن دارایی های ایران که مبلغ آن به ۱۰۰ میلیارد دلار می رسد، از او سلب می کند.

...

این طرح قانونی، علاوه بر آن که قصد دارد ایران را– که وزارت خارجه آمریکا آن را «فعال ترین دولت حامی تروریسم» شناخته است – از مصرف این پول در راه تقویت تروریسم بازدارد، در عین حال می خواهد اطمینان یابد که تهران پول آزاد شده را برای توسعه برنامه موشکی بالیستیکی خود مصرف نخواهد کرد و نیز در صورتی که ایران به نقض حقوق بشر دست زند، این دارایی از آن دریغ خواهد شد.

## درد دل های غم بار یک کارگر زن!

پارسینه: شهرخبر: اوضاع کسب و کار در کشور مدت ها است که مناسب نیست و این نامناسبی تا آنجا پیش رفته که کارفرمایان به خود اجازه می دهند به هر طریقی شده و از راه های غیر قانونی کارمندان و کارگران خود را استثمار کنند. این روزها اینگونه باب شده است که کارفرمایان می گویند: چیزی که فراوان است، بیکار متقاضی کار! و برای همین دهان کارگران و کارمندان محتاج کار دوخته شده است و به حقوق قانونی خود اعتراضی نمی کنند چرا که ممکن است اخراج شوند و این شغل با حقوق اندک را هم از دست بدهند.

این در حالی است که براساس قانون کار حداقل دست مزد در سال ۹۳، ۶۰۸۹۰۰ تومان پیش بینی شده است با اضافه شدن حق مسکن و اولاد به این حقوق در مورد خانواده های دو فرزند به بالا، دریافتی تا بالای یک میلیون تومان می رسد.

از نظر قانون کار، کارگران مشمول این قانون کلیه اشخاص حقیقی هستند که در ازاء دریافت اجرت به دستور کارفرما انجام یک فعالیت جسمی و یا فکری را عهده دار می شوند و در صورت بروز اختلاف رسیدگی به این مسئله و تشخیص شمول قانون کار بر رابطه کارگری و کارفرمائی و با هیأتهای تشخیص و حل اختلاف مستقر در واحد کار و امور اجتماعی می باشد.

طبق مصوبه شورای عالی کار هر کارگر در سال جاری باید حداقل ۶۰۸ هزار و ۹۰۰ تومان برای یکماه کار دستمزد دریافت کند. از سویی طبق استانداردهای موجود هر نفر نیروی مشمول قانون کار باید در هفته ۴۴ ساعت و در ماه نیز ۱۷۶ ساعت، کار انجام دهد.

اما نکته اینجاست که نه تنها کارگاه های کوچک کمتر از ده نفر کارگر بر اساس آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار مصوب هیات وزیران از شمول قانون کار مستثنی شده اند، بلکه نظارت اجرایی بر این قانون آنقدر پایین است که هر روز مشکلات تازه ای برای کارگران به خصوص زنان کارگر که بعضا حقوق زیر ۵۰۰ هزار تومان دارند پیش می آید و تا اعتراضی هم صورت بگیرد نتیجه کار اخراج است.

این در حالی است که زندگی برای خانوارهایی که مالک خانه نیستند سال به سال سخت تر شده، بخش بزرگی از درآمد خانوار صرف تامین اجاره خانه می شود.

این دغدغه همراه با نبودن هیچ برآوردی از میزان افزایش نرخ کرایه برای سال بعد، امنیت مالی و روحی گروه بزرگی از خانواده ها را به خطر انداخته است.

در گذشته کارفرماها با استفاده از قراردادها کوتاه مدت و ترفند هایی در قرارداد نویسی به نحوی از زیر قانون کار فرار می کردند تا رابطه شان با کارگر مشمول قانون کار نباشد؛ مجبور به پرداخت حداقل حقوق و بیمه کردن کارگر نشوند.

این روزها اما این ترفند هم مورد استفاده قرار نمی گیرد چرا که کارفرماها به فرمول تازه ای رسیده اند ؛ اینکه لازم نیست قراردادی نوشته شود. آنقدر متقاضی در بازار کار وجود دارد که می توان بدون نوشتن قرارداد کارگر استخدام کرد، این مسئله در مورد زنان کارگر بیشتر اتفاق می افتد!

محدثه کارگر زن یک کارگاه قالی بافی به خبرنگار شهرخبر می گوید: از ۸ صبح تا ۶ بعد از ظهر در کارگاه کم نور و با هوای سنگین قالیبافی کار می کند اما تنها ۴۵۰ هزار تومان حقوق می گیرد.

او که در یکی از شهرهای اطراف تهران زندگی می کند و مشغول به کار است، تاکید می کند: نه بیمه ای دارد و نه حق فرزندی و از حقوق خود هم تا قبل از صحبت با خبرنگار شهر خبر، بی خبر بوده است.

محدثه در ادامه به شهرخبر می گوید: در شهر کوچک محل زندگی ما آنقدر زن محتاج به کار وجود دارد که اگر کوچکترین اعتراضی نه به حقوق و دستمزد بلکه به فضا و محیط کار هم بشود، نتیجه بلافاصله اخراج است و بس و بلافاصله کارگر جدیدی استخدام خواهد شد.

محسن کارگر ساختمانی نیز به شهر خبر می گوید روز مزد است و روزی ۳۰ هزار تومان دستمزد می گیرد و نه بیمه ای دارد و نه قراردادی.

او ادامه می دهد: اگر با شرایطی که هرکارفرما انتظار دارد کار نکنیم از یک لقمه نان حلال هم باز می مانیم و زن و بچه مان گرسنه می مانند.

از این دست نمونه ها در جای جای کشور به خصوص پایتخت زیاد است و مساله مهم اینجاست که این نوع بی توجهی به حقوق کارگر هر روز بیشتر از دیروز باب می شود و اگر چاره ای برای آن اندیشیده نشودجیب کارفرماها روز به روز بزرگتر خواهد شد و جیب کارگران زحمتکش تنگ تر.

## اعتراض «زنان کارآفرین» به تفکیک جنسیتی در شهرداری تهران

انجمن زنان مدیر کارآفرین با ارسال نامه‌ای سرگشاده خطاب به علی‌ربیعی، از آنچه «موضع گیری مدبرانه در ارتباط با تفکیک جنسیتی کارمندان در شهرداری تهران» خوانده، تشکر و حمایت کرده است.

به گزارش ایلنا، این نهاد مدنی در نامه خود موضع اخیر وزیر کار را در مقابل تفکیک جنسیتی، اصولی و واقع‌گرایانه خوانده و گفته است که این قبیل مواضع به همراه برنامه ریزی های معطوف به نتیجه اعتماد متقابل دولت ـ ملت را تقویت می‌کند.

در بخشی از این نامه آمده است: بر اهل اندیشه و نظر پوشیده نیست که توسعه همه جانبه کشور مان جز با حضور و مشارکت زنان و مردان این دیار محقق نخواهد شد و هر گونه اقدام بازدارنده از حضور اجتماعی زنان بیش از آن که میثاق‌های بین المللی را متزلزل نموده، مغایر قانون اساسی است۱۴/۸/۵

## فرمانده سپاه تهران : چرا هنوز در ادارات و سازمان‌های زن و مرد باید در کنار هم بنشینند / باید در تمام سازمان ها ونهادها تفکیک جنسیتی رخ دهد

بسیج پرس: سردار محسن کاظمینی فرمانده سپاه حضرت محمد رسول الله تهران بزرگ صبح دیروز در همایش زن، جامعه، تعالی با گرامیداشت با بیان اینکه آمار طلاق در بین کسانی که شاغل هستند آمار کمی نیست واین نگران کننده است گفت: نگرانی دیگری که وجود دارد این است که این خانواده ها بین یک تا دو فرزند در جامعه دارند واین فرزندان امروز با بنیان خانواده ای که متلاشی شده است مواجه شده و تکلیفشان برای آینده مشخص نیست.

وی افزود: مسئله دیگری که وجود دارد نارضایتی در عموم خانواده ها به دلیل اشتغال زنان در نهادها و سازمان‌های مختلف است؛ معنای این سخن شرکت نکردن در جامعه نیست بلکه باید شیوه حضور زنان در جامعه با جامعه اسلامی به طور دقیق منطبق بشود و انتظار ما از بسیج این است که با حضور خود و امر به معروف و نهی از منکر و کمک به مدیران برای رفع و از بین بردن آسیب‌های موجود نقش آفرینی کنند. با امر به معروف و نهی از منکر می‌توان از مشکلات پیشگیری کرد و جامعه اسلامی را پیاده کرد.

دولت‌های گذشته مانع تشکیل وزارتخانه امربه معروف و نهی از منکر شدند

وی با بیان اینکه دولت‌های گذشته مانع از تشکیل وزارتخانه امربه معروف و نهی از منکر شدند افزود: البته منظور نهادی

که فقط دارای ساختار و سازوکار یک وزارتخانه باشد نیست بلکه نهادی است که این واجب فراموش شده را از افراد مختلف مطالبه کند.

فرمانده سپاه تهران که در جمع خواهران بسیجی سخن می‌گفت با تاکید براینکه باید با همت همه بسیجیان امر به معروف و نهی از منکر که یک واجب فراموش شده است را عملیاتی کرده و به مدیران برای اجرای آن کمک کنیم اظهار داشت: اگر به این موضوع توجه ویژه شود مسلماً تاثیر آن بیشتر از تاثیر جامعه زنان در پیروزی انقلاب اسلامی خواهد بود و به عنوان یک کشور نمونه که با حجاب و عفت در عرصه‌های مختلف سیاسی واجتماعی و اقتصادی حضور داشته نقش خود را ایفا کنند.

وی با بیان اینکه باید به مسئله زنان از دو بعد حضور و قوانین اسلامی نگاه کرد گفت: چرا باید بعد از ۳۵ سال یکی از سازمان‌های ما بیان کند که می‌خواهیم تفکیک جنسیتی را رعایت کنیم ویک عده هم ناراحت شوند و علیه این طرح موضع بگیرند. چرا سازمان‌ها ونهادهای دیگر از این حرکت استقبال نکردند.

باید در تمام سازمان ها ونهادها تفکیک جنسیتی رخ دهد.

وی در همین زمینه افزود: چرا هنوز در ادارات و سازمان‌های ما زن و مرد باید در کنار هم نشسته باشند وهیچ معنایی ندارد که این افراد از صبح با یکدیگر بگویند و بخندند و پرده های حیا را کنار بزنند. باید در تمام سازمان ها ونهادها تفکیک جنسیتی رخ دهد. می شود که در سازمان‌ها و نهادها و مجموعه‌های دولتی و غیر دولتی زنان حضور داشته باشند ودر مقابل مفاسد آن را به صفر رساند واین شدنی است.

چرا ما تا به حال نتوانستیم فیلم‌هایی که زنان مسلمان ما در طول تاریخ و در دوران انقلاب عزم و شجاعت از خود نشان دادند را خوب ارائه دهیم و بیان کنیم که می‌شود زنان هم در مدیریت و هم در صحنه‌های مختلف با تدبیر شجاعت و لطف عفاف و حجاب حضور موثر داشته باشند واین دغدغه حضرت آقا است.

سردار کاظمینی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: سازمان بسیج بنا دارد از طریق حلقه های صالحین جلسات و اطلاع رسانی با شیوه امر به معروف ونهی از منکر به آسیب‌هایی که ماهواره در جامعه دارد بپردازد و از همه محافل استفاده شود تا سرعت فراگیری ماهواره کم شده و آن هایی که ماهواره دارند به این مسئله پی ببرند که با حضور ماهواره در خانه آینده فرزندان خود را تباه می‌کنند.۱۳۹۳/۵/۱۴.

[ همین مختصر به روشنی نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی ایران درچه گنداب ارتجاعی دست و پا می زند. قانون سرمایه داری دراین است که مرد و زن را با حداقل تحمل مخارج اضافی به بازارکار بی رحم بکشد و با استثمارآنان پول پارو کند. اما هدایت این استثمارگری با قرارگرفتن دیدگاه عقب مانده و ارتجاعی که حتا صحبت و خنده ی انسانها با هم را درمحیط کارتحمل نمی کند که نشانی است ازحکم دادن انسانهای روانی، با اعمال هر قلدرگری و تفکیک جنسیتی به دلیل این که دربرابر خواست نظام سرمایه داری برای استثمارهرچه بیشتر قرار دارد، قادر به ادامه حیات نبوده و این همه دعوا بین گروههای مختلف حاکم نشان می دهد که نظم آخوندی مورد توافق سرمایه داران جز در جاهائی که فرصت استثماربی امان را فراهم می سازد، قابل قبول نیست. و چون سرمایه داران به دو طیف دینی و سکولار درهدایت جامعه تبدیل شده اند، تضادشان ادامه می یابد. اما این تضاد درحدی نیست که به براندازی رقیب حاکم به تمام معنا بپردازند.

درنتیجه رهائی ازاین جهنم و زنده گی ضدبشری درایران تنها و تنها در گرو خیزش کارگران و زحمت کشان و انداختن حاکمیت مذهبی به زباله دان تاریخ و تامین آزادی و رفاه و حقوق انسانی برای اکثریت عظیم مردم و به ویژه زنان درتحت نظام سوسیالیستی می باشد. هرقدر درایران به این واقعیت توجه نشده و به دنبال ازاین روز به فردا به دنبال فرجی باشند، روی خوشبختی و سعادت را ندیده و برای فرزندانشان نیز جامعه ای تحویل خواهند داد که همین وضع جهنمی را تحمل کنند. وقت آن رسیده است که شعار: شورش علیه نظام جبار مذهبی طبقاتی برحق است به شعار هرچه بیشتر کارگران و زحمت کشان تبدیل شود. بشر موجودی اجتماعی است و تبدیل آن به موجودی ازخودبیگانه نسبت به جنس متقابل اش درکی به کلی ابلهانه است. ۳۶ سال حاکمیت ارتجاعی مذهب قادر به حل مسئله زنان نشده و بدون تردید درآینده نیز نخواهدشد و زنان باعزم و شجاع ایران جزء مهمی از گورکنان این رژیم مطرود خواهند شد و سرداران کله خر را درس سختی خواهدداد. رنجبر]

# از هر دری، سخنی!

***خلاصه ای از مقالاتی که درزیر می آید جهت دادن عطف توجه خواننده گان عزیز رنجبر به نظرات دیگران است و ضرورتا این نظرات مواضع رسمی حزب نمی باشند. هیئت تحریریه***

**********

## یک چهارم نقدینگی کشور در اختیار ۶۰۰ نفر است

**«عزت الله یوسفیان ملاعضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی:**

یک چهارم نقدینگی کشور در اختیار ۶۰۰ نفر است

عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی کشور گفت: اکنون یک چهارم نقدینگی کل کشور در اختیار حدود ۶۰۰ نفر است که این رقم حدود ۱۰۰هزار میلیارد تومان است.

عزت الله یوسفیان ملا گفت: کل نقدینگی کشور در حال حاضر حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است که حدود ۱۰۰هزار میلیارد تومان آن در قالب تسهیلات به عناوین مختلف در اختیار ۶۰۰ نفر قرار داده شده است.

وی به یک مورد به عنوان مصداقی از در اختیار گرفتن تسهیلات کلان از بانک های دولتی اشاره کرد و افزود: تسهیلات هشت هزار میلیارد تومانی از سوی یک شرکت خودرویی که غیردولتی است و به صورت سهامی اداره می شود، مدیران عامل و هیأت مدیره آن افراد صاحب نفوذ و سهام دار در بانک های خصوصی کشور هستند و پول را درآن بانک گذاشتند و سود حاصله را بین خودشان تقسیم می کنند و ضرر آن را به حساب شرکت قرار می دهند.

نماینده مردم آمل در مجلس شورای اسلامی گفت: خاکی بودن و دزد نبودن هنر نیست بلکه اگر فردی مدیر باشد و خیانتکار نباشد، هنر است.

عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی کشور افزود: در جلسات متعدد ستاد، بدهکاران کلان را به ستاد دعوت و راهکارهای پرداخت بدهی های آنان به بانک را بررسی تا سرمایه های ملی دوباره به چرخه نقدینگی کشور برگشت داده شود.

وی افزود: بعداز گذشت ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز برای گفتن حقیقت با هم تعارف داریم و اگر تعارفات راکنار

بگذاریم بسیاری از مشکلات برطرف خواهدشد.

عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی کشور گفت: اگر بتوانیم حقایق رابه مردم بگوییم به یقین آقازاده هایی که در همه مسائل اقتصادی نفوذ پیدا کردند دیگر به خود اجازه نخواهند داد که بیت المال مردم را دردست داشته باشند.(ایرنا- جام جم - به نقل از آینه روز ۲۰۱۴/۷/۲۶ )

**********

**هافینگتن پست: این ملک عبدالله است که دستور حمله به غزه را داده است/ اسرائیل و عربستان برای حمله به ایران نیز دست به دست هم داده اند**

انتخاب: هافینگتون پست نوشت: خبرهای انحصاری ، مقالات و اظهارات برخی مقامات در رسانه های غربی نشان می دهد نظام عربستان سعودی و برخی نظامهای دیگر به اسرائیل برای آغاز جنگ اخیر علیه نوار غزه چراغ سبز نشان داده‌اند. دستهای متعددی در حمله ارتش اسرائیل به نوار غزه در کار است.

به گزارش سرویس بین الملل «انتخاب»، آمریکا از اینکه حماس هم اکنون هدف چنین حمله ای قرار گرفته است خوشحال نیست زیرا در حالی که صحنه های قتل عام در خیابانهای شجاعیه در غزه منتشر می شد جان کری وزیر خارجه آمریکا در شبکه تلویزیونی ان بی سی می گفت اسرائیل حق دفاع از خودش را دارد. دان شاپیر سفیر اسرائیل در آمریکا نیز به شبکه دوم تلویزیون اسرائیل گفت آمریکا تلاش خواهد کرد تا نیروهای میانه رو در غزه قوی تر شوند یعنی تشکیلات خودگردان فلسطینی قوی شود. با وجود آنکه مصر نیز از آنچه در غزه رخ می دهد ناراحت نیست و سامح شکری وزیر خارجه مصر جنبش حماس را مسئول کشته شدن غیر نظامیان دانست زیرا با آتش بس مخالفت کرد اما نتانیاهو به هیچ یک از این دو شریک ناتوان اهمیت نمی دهد زیرا آنان ( آمریکا و مصر ) نمی توانند پوشش لازم از عملیات نظامی به این سرسختی را فراهم آورند و نتانیاهو به شریک سوم اعلام نشده در این ائتلاف نامقدس اهمیت می دهد.

شریک سوم و مهم ترین شریک در نشان دادن چراغ سبز برای عملیات نظامی اسرائیل علیه غزه نیز عربستان سعودی است. حمله به غزه با دستور پادشاه عربستان صورت می گیرد و این دستور سلطنتی نیز یک سرّ فاش شده در اسرائیل است که همه مسئولان سابق دفاعی و کنونی از آن با خوشحالی یاد می کنند.

شائول موفاز وزیر سابق جنگ اسرائیل مجری شبکه ده تلویزیون اسرائیل را با این جمله که «تل آویو باید برای عربستان سعودی و امارات در خلع سلاح حماس نقشی مشخص کند» غافلگیر کرد.

موفاز در پاسخ به این پرسش که از این حرف چه منظوری دارد گفت پولهای عربستان سعودی و امارات باید پس از نابودی حماس برای بازسازی غزه به کار گرفته شود.

هافینگتن پست سپس به اظهارات عاموس گلعاد مسئول سابق نهاد دفاعی اسرائیل و رئیس روابط سیاسی و نظامی کنونی در وزارت دفاع اسرائیل اشاره کرد که به تازگی گفته است :« همه چیز زیرزمینی و محرمانه است و علنی نیست اما همکاریهای امنیتی اسرائیل با مصر و کشورهای عرب خلیج فارس در نوع خودش منحصر به فرد است و دوره کنونی بهترین دوره از نظر امنیت و روابط دیپلماتیک با جهان عرب است.» جشن روابط در واقع جشن متقابل است. عبد الله بن عبد العزیز پادشاه عربستان با عبد الفتاح سیسی رئیس جمهور مصر تماس گرفته بود تا موافقت ریاض را با طرح آتش بس مصر که به حماس اعلام نشده بود اطلاع دهد.

هافینگتن پست درباره شواهد دیگری از روابط عربستان و اسرائیل نوشت : سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل (موساد ) و مسئولان اطلاعات عربستان سعودی به طور منظم تشکیل جلسه می دهند و دو طرف زمانیکه محمد مرسی رئیس جمهور سابق مصر در آستانه سقوط بودند بحث و تبادل نظر می کردند.

آنها درباره ایران نیز دست به دست هم داده اند و هر دو برای حمله اسرائیل از طریق حریم هوایی عربستان به ایران و نابودی برنامه هسته ای این کشور تدارک می بینند.

حتی برخی منابع می گویند عربستان بیشتر تبلیغات هزینه‌بر اسرائیل علیه ایران را تأمین می کنند. ترس ،عامل مشترک بین عربستان و اسرائیل باعث شده است آنها دست به دست هم دهند.

دهها سال اسرائیل و عربستان در ترس ،احساس مشترکی دارند و واکنشهای آنها نیز مشابه بوده است. هر دوی آنها احساس می کنند می توانند از طریق حمله به همسایگان ( لبنان و یمن ) یا آنکه از طریق تأمین هزینه های جنگ نیابتی و کودتاها (در سوریه و مصر و لیبی ) از خودشان حمایت کنند.

هرست افزود آنان دشمنان یا رقبای مشترک دارند و ایران و ترکیه و قطر و حماس در غزه و اخوان المسلیمن دشمنان یا رقبا هستند.

اسرائیل و عربستان همچنین هم پیمانان مشترکی دارند یعنی نهادهای نظامی آمریکایی و انگلیس. محمد دحلان مرد قدرتمند جنبش فتح که یک بار تلاش کرد کنترل غزه را به دست بگیرد شاید در مرحله آینده به این هدف برسد.

تفاوت در اینجاست که برای نخستین بار در تاریخ اسرائیل و عربستان است که این دو قدرت نظامی با یکدیگر هماهنگی باز و آشکاری دارند.

شاهزاده ترکی برادر زاده پادشاه عربستان در واقع نمای کلی این نزدیکی بین تل آویو و ریاض است او نخستین بار کتاب یک نویسنده اسرائیلی را در عربستان منتشر کرد. او ماه مه گذشته به بروکسل رفت تا با ژنرال عاموس یادلین رئیس سابق سازمان اطلاعات اسرائیل دیدار کند. دادگاهی در ترکیه یادلین را به دست داشتن در حمله به کشتی مرمره متهم کرده بود.

این نشریه به اظهارات ترکی درباره احتمالات صلح با انتشار مقاله‌ای در روزنامه هاآرتص اشاره کرد و افزود : اینها وسایل است و پایان کار نیست . نشانگر هزینه حقیقی این ائتلاف است . هرست نوشت اقدام ترکی به تقویت ابتکار صلح عربی به بهای چشم پوشی از حمایت تاریخی عربستان از مقاومت فلسطین صورت می گیرد.

در پایان این مقاله جنجال برانگیز آمده است: همگان به ویژه در غزه از صلح استقبال می کنند اما وسایلی که هم پیمانانان اسرائیل در عربستان و مصر به دنبال تحقق این صلح هستند از طریق تشویق اسرائیل به حمله کوبنده علیه حماس است.

این ائتلاف اسرائیلی و عربستان با خون فلسطینیان کشته‌شده در غزه سرشته‌شده است.

از همین روست که موفاز درخواست کرد به عربستان و امارات در خلع سلاح حماس و دیگر گروههای مقاومت نقش ویژه ای داده شود.

موفاز به شبکه ده تلویزیون اسرائیل گفت ارتش اسرائیل محال است که از طریق توسل به زور بتواند نوار غزه را خلع سلاح کند ولو آنکه آن را به طور کامل اشغال کند باز هم نمی تواند.

موفاز گفت این امر به یک طرح دیپلماتیک و سیاسی و اقتصادی جامعی نیاز دارد تا خلع سلاح گروههای فلسطینی تحقق یابد.

وی افزود نیاز مبرمی وجود دارد که ملت غزه به لزوم همکاری در اجرای این طرح متقاعد شوند و این نیاز به دادن مشوق است مانند کمکهای سخاوتمندانه مالی تا

برای همکاری با هرگونه تلاش بین المللی یا منطقه ای که به تحقق این هدف کمک کند متقاعد شوند.
عربستان و امارات در شرایط کنونی می توانند نقش مهمی در تأمین منابع مالی این پاداش ایفا کنند.
در همین حال یک تحلیلگر نظامی برجسته اسرائیلی درخواست کرد درباره شکست سیاسی و نظامی و اطلاعاتی جنگ کنونی اسرائیل تحقیق رسمی شود. همه این نشانه های رو به افزایش بیانگر آن است که رژیم صهیونیستی نمی تواند به اهداف خود از این جنگ برسد. آینه روز - ۲۰۱۴/۷/۲۴

**********

## یونیسف: ازدواج اجباری بیش از ۷۰۰ میلیون زن در جهان

به گزارش انتخاب؛ یونیسف که کنفرانسی را درباره مقابله با ازدوج اجباری زنان در لندن برگزار کرده است، اعلام کرد بیش از ۷۰۰ میلیون زن در جهان در سن کودکی ازدواج کرده اند.
یونیسف اعلام کرد نخستین کنفرانس ازدواج اجباری با حمایت دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس برگزار می شود.
هدف این کنفرانس پایان دادن به ازدواج اجباری زنان است.
بر اساس آمارهای جدید سازمان ملل متحد از بین ۷۰۰ میلیون زن قربانی ازدواج اجباری بیش از یک سوم ( ۲۵۰ میلیون نفر ) زمانی ازدواج کردند که کمتر از ۱۵ سال سن داشتند.(آسمان دیلی نیوز - ۱ مرداد ۱۳۹۳)

**********

## ۱۲ میلیون مرد ایرانی خانه‌نشین هستند

به گزارش مهر ، بررسی جدیدترین آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران درباره وضعیت بازار کار کشور نشان می دهد در بهار سال جاری ۶۳ میلیون و ۷۱۲ هزار و ۴۲۳ نفر از کل جمعیت کشور در سن کار قرار داشته اند.
از مجموع کل جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در سن کار کشور نیز ۲۳ میلیون و ۶۳۷ هزار و ۳۰۹ نفر در گروه شاغلان قرار دارند که دارای فعالیت اقتصادی هستند و ۴۰ میلیون و ۷۵ هزار و ۱۱۴ نفر نیز غیرفعال بوده اند.
همچنین در بهار امسال ۳۱ میلیون و ۸۱۷ هزار و ۸۱۱ نفر مرد در سن کار قرار داشتند که از این تعداد ۱۹ میلیون و ۷۲۷ هزار و ۴۳ نفر شاغل بوده و ۱۲ میلیون و ۹۰ هزار و ۷۶۸ نفر نیز غیرفعال بوده، یعنی در گروه بیکاران و یا شاغلان قرار نداشتند. نکته حائز اهمیت این است که در بهار امسال، ۱۲ میلیون مرد در سن کار کشور نه شاغل بوده اند و نه بیکار!

*** ۴۰ میلیون نفر دقیقا چه کاره اند؟**

از سویی نگاهی به وضعیت فعالیت اقتصادی زنان در ایران نیز حکایت از آن دارد که در فصل بهار امسال ۳۲ میلیون و ۵۱ هزار و ۳۶۰ زن در سن کار قرار داشته اند که ۲۳۳ هزار و ۵۴۹ نفر از تعداد مردان در سن فعالیت اقتصادی، بیشتر هستند.
از جمعیت ۳۲ میلیون نفری زنان در بهار امسال، ۳ میلیون و ۹۰۱ هزار و ۲۶۶ نفر شاغل بوده اند و ۲۸ میلیون و ۱۴۱ هزار و ۹۴ نفر نیز در گروه غیرفعال ها قرار داشتند.
البته باید توجه داشت که بخش قابل توجهی از جمعیت ۲۸ میلیونی زنان غیرفعال با میل و اراده خود قصد انجام فعالیت کاری را ندارند و ترجیح می دهند به امر خانواده بپردازند.

*** ۱۲ میلیون مرد خانه نشین هستند**

بررسی ها حکایت از آن دارد که از کل جمعیت در سن کار کشور، علاوه بر اشتغال ۲۳ میلیون و ۶۳۷ هزارنفری، تنها ۲ میلیون و ۵۳۰ هزارنفر متقاضی شغل شناخته شدند که نهایتا با فرض آمارهای غیر رسمی به ۵ میلیون نفر بالغ خواهند شد.
در حال حاضر، ۳۵ میلیون نفر از جمعیت در سن کار و اشتغال کشور هستند که هنوز تصمیمی برای تاثیرگذاری در جریان اقتصاد کشور نگرفته اند.
اگر فرض شود که عدم تمایل بخش قابل توجهی از جمعیت ۲۸ میلیون نفری زنان در سن کار برای ورود به عرصه های اقتصادی و فعالیت های این چنینی قابل درک باشد، اما دست روی دست گذاشتن، بیکار ماندن و سرگشتگی ۱۲ میلیون مرد باید مورد توجهات جدی قرار گیرد. با این حال، نباید از یاد برد که درصدی از جمعیت ۱۲ میلیون نفری مردان در سن کار که ۱۰ سال به بالا محاسبه می شود، در واقع امکان اشتغال را به لحاظ سنی ندارند ولی در آمارها به عنوان جمعیت فعال کشور در نظر گرفته می شوند.
در این میان، نرخ مشارکت اقتصادی از ۳۹,۳ در بهار سال گذشته به ۳۷,۱ در بهار امسال کاهش یافته، همچنین نرخ بیکاری نیز از ۱۰,۶ به ۱۰,۷ درصد رسیده است.
کارشناسان معتقدند افزایش دوباره ۵۰۰ هزارنفری جمعیت غیرفعال کشور را باید در مایوس شدگان از اشتغال، گروه هایی که برای فرار از بیکاری دوباره به دانشگاه ها پناه می برند، زنانی که از بیکار ماندن خسته شده و عطای کار را به لقای آن بخشیده اند و گروه های مانند موارد یادشده جست وجو کرد.

*** گسترش دلالی و واسطه گری**

آمار بالای جمعیت غیرفعال کشور از جمعیت ۶۳ میلیون و ۷۱۲ هزارنفری در سن کار، نشانه های خوبی از پویایی اقتصادی، حرکت رو به جلوی کشور، توسعه سریع و استفاده از ظرفیت های انسانی و نیروی کار نیست و بیشتر بیانگر هرز رفتن پتانسیل عظیم انسانی کشور، تلف شدن سرمایه های فکری و ظرفیت های بالقوه جامعه است.
در حال حاضر، به کارگیری ظرفیت نیروی انسانی در کشورهای توسعه یافته و به حرکت در آمدن توانمندی های آن جوامع باعث شده تا برخی از کشورها از اتکا به منابع طبیعی خارج و برنامه های خود را از طریق توانمندی های نیروی انسانی خود و با اتکا بر ظرفیت های این بخش انجام دهند.
دقیقا مشخص نیست جمعیت غیرفعال کشور که ۱۲ میلیون نفر از آنها مرد هستند، چه نوع فعالیتی را در کشور انجام می دهند، اما کارشناسان معتقدند بخشی از این افراد در مشاغل غیررسمی، دلالی و سوداگری وارد شده اند.
در بهار امسال کمترین نرخ مشارکت اقتصادی کشور مربوط به استان های تهران، سیستان و بلوچستان، قم، کرمان، کهکیلویه و بویراحمد و لرستان بوده است.

*** شش استان کم تحرک**

بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی کشور نیز که نشان دهنده انجام حرکت های بهتر اقتصادی و تحرک بیشتر در جریان توسعه کشور است، مربوط به استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، سمنان، قزوین، کردستان، گیلان و مازندران می شود.
در حال حاضر اختلاف نرخ مشارکت اقتصادی در استان اردبیل با ۴۴,۴ درصد و استان سیستان و بلوچستان با ۲۹,۳ درصد به ۱۵,۱ درصد رسیده، صرفا بیانگر تلاش و کوشش مناسب بخشی از کشور و غیرفعالی بخش دیگری از کشور نیست، بلکه بحث چگونگی توزیع امکانات، ایجاد صنایع و کارخانجات و فراهم بودن زمینه های فعالیت اقتصادی نیز مطرح است که باید مورد توجه سیاست گذاران قرار گیرد.

**********

## معاون قالیباف: وزارت کشور سه سال پیش تصویب کرد که هیچ مدیر آقایی نمی تواند منشی زن داشته باشد

معاون قالیباف گفت: موضوعی که وزارت کشور سه سال پیش آن را

تصویب کرد، این است که هیچ مدیر آقایی نمی تواند منشی زن داشته باشد و بالعکس نیز هیچ مدیر خانمی نمی تواند منشی آقا داشته باشد.

آخوند امرودی با بیان اینکه فضای شهر تهران نسبت به دوسال گذشته متفاوت تر شده است، گفت: در خصوص مساله عفاف و حجاب در برخی موارد مجلس ظرفیت پرداختن به این موضوع را دارد و موضوعی که وزارت کشور سه سال پیش آن را تصویب کرد، این است که هیچ مدیر آقایی نمی تواند منشی زن داشته باشد و بالعکس نیز هیچ مدیر خانمی نمی تواند منشی آقا داشته باشد. شهرداری تهران این موضوع را خیلی قبل تر مصوب کرده بود و این بار دوباره بر این مساله تاکید کرده است. این موضوع اصلا به این معنا نیست که می خواهیم تفکیک جنسیتی داشته باشیم. او با بیان اینکه سه نگاه نسبت به زن وجود دارد، ادامه داد: هرکاری انجام می دهیم نباید به نقش مادری زن ضربه بخورد دوم اینکه بیش از ۵۰ درصد جمعیت را زنان تشکیل می دهند و معتقدیم که عدالت راجع به بانوان رعایت نشده و شهرداری خواسته این موضوع را رعایت کند .

امرودی در ادامه گفت: به عنوان مورد سوم می توان گفت که نقش زنها در هدایت جامعه بسیار شاخص است و در این بین می توان به حضور زنان در خانه های تسنیم اشاره کرد و در کل ما پذیرفته ایم حجاب زنان باید ویترین جمهوری اسلامی باشد.پیک ایران - ۴مرداد۱۳۹۳- ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۴

**********

## بحران بیکاری و فاشیسم جمهوری اسلامی

روند بیکاری در ایران مدام سیر رو به افزایش بخود میگیرد، نرخ بالای بیکاری، شرایط زیستی خانواده های کارگری را با خطر جدی روبرو کرده و آنها را در معرض بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی قرار داده است. بیکاری و فقر بستر بسیاری از آسیب ها و آلوده گی های اجتماعی است که در منجلاب حکومت اسلامی سرمایه در ایران پدید آمده است و هر روز بیشتر پا میگرد و گسترش می یابد. بیکاری یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. بیکاری در ایران بدلیل نبود بیمه بیکاری مکفی وعدم وجود تامین اجتماعی، مساویست با فقر اقتصادی و ناتوانی در تامین معیشت روزانه برای ادامه زندگی و اگر جای هم چندرغازی بیمه بیکاری به کارگران پرداخت میشود صاحبان سرمایه و دولت جمهوری اسلامی میکوشند آنرا با بیحرمت کردن و تحقیر کارگران همراه کنند. این شرایط بخش قابل توجهی از کارگران، زنان و جوانان را مستاصل نموده است. پدیده بیکاری در ایران به عنوان یک عامل اساسی، تولید فحشا، کودک خیابانی، بیسوادی، اعتیاد، دزدی وجرایم اجتماعی عمل میکند و میلیونها انسان را به تباهی کشانیده است.

آمارهای متفاوتی از نرخ بیکاری وجود دارد، مرکز آمار ایران بین ۱۰/۸ تا ۱۲ و خانه کارگر بین رقم های ۱۲ تا ۱۵ و آمارهای محققان غیر دولتی به بیش از ۲۰ در صد اشاره دارند. آمارهای متفاوت ناشی از سرعت بالا رفتن نرخ بیکاری است. افزایش سالانه صف بیکاران در جامعه ایران ابعاد میلیونی بخود گرفته است. طبق این آمارهای متفاوت ۴ تا ۹ میلیون بیکار در جامعه ایران وجود دارد و ضریب افزایش سالانه بیکاری بنا به گفته مسئولین دولتی بیش از چهار و نیم در صد و منابع غیر دولتی حدود شش تا هفت درصد می باشد، تازه این در بر گیرنده زنان خانه دار و افرادی که فقط یک تا دو ساعت در روز کار دارند نمی باشد. (کسانی که یک ساعت کار در روز داشته باشند در جمهوری اسلامی شاغل محسوب میشوند.) قطعا این آمار در کشوری که حکومتش بر مبنای سرکوب، فریب، دروغ و انکار واقعیت استوار است، نمیتواند درست باشد و تعداد بیکاران به مراتب از آمار و ارقام دولتی بیشتر است. اخراج و بیکار سازی های وسیع و گسترده در سطح واحدهای تولیدی و کارخانه ها، و وجود میلیون ها جوان تحصیل کرده آماده بکار، غیر واقعی بودن آمار دولتی را عیان میکند، تازه بگفته مسئولین دولتی سالانه حدود یک میلیون و پانصد هزار دانشجو فارغ التحصیل میشوند و تنها بیست در صد آن جذب بازار کار میشوند و این نشان میدهد که هشتاد در صد آن که معادل یک میلیون دویست هزار نفر میشود، سالانه به خیل بیکاران می پیوندند، وزیر کشور مدتی قبل اعلام کرد، اگر رشد اقتصادی سالانه حداقل به ۶ درصد در سال نرسد، تا سال ۱۴۰۰ یعنی تا ۷ سال دیگر به تعداد بیکاران تنها در بخش فارغ التحصیلان ۱۱ میلیون نفر اضافه میشود. جمهوری اسلامی قادر به ارائه هیچ راه حلی برای سونامی بیکاری نیست و تلاش میکند با بحث عوام فریبانه ایجاد فرصت های شغلی جدید و رساندن نرخ بیکاری در آینده به در صد کمتری شانه از زیر بار مسئولیت اوضاع نگران کننده چندین میلیون کارگران بیکار خالی نماید. دولت روحانی با اتخاذ یک سیاست راسیستی، میخواهد کارگران خارجی یعنی چند میلیون کارگر افغانی را قربانی بحرانی نماید که توان جواب دادن به آن را ندارد.

**بحران بیکاری، فاشیسم دولت اسلامی حسن روحانی را در مقابل اتباع خارجی به عنوان راه حل بیکاری عریان کرد. دولت جمهوری اسلامی بخشنامه ای با امضای اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی برای همه وزارتخانه ها، موسسات دولتی و غیر دولتی، استانداری ها و... صادر نموده و از آنها خواسته که به همه مراکز کاری، شرکتها و پیمانکاران دولتی و غیر دولتی ابلاغ کنند که تنها اتباع ایرانی را استخدام کنند و از استخدام اتباع خارجی خوداری نمایند. این اقدام نژاد پرستانه و ضد کارگری جمهوری اسلامی زندگی صدها هزار کارگر افغانی و در مجموع ۳ میلیون نفر افغانی ساکن ایران را که محروم ترین بخش جامعه ایران را تشکیل میدهند، با مخاطره جدی روبرو میکند. ... تاکید ازما است**

حدود نیمی از جمعیت ۳ میلیونی افغانی های ساکن ایران اقامت موقت ندارند و از ترس جمهوری اسلامی و برگردانشان، مجبور به انتخاب یک زندگی نیمه مخفی شده اند. این بخش با سخت ترین و مشقت بارترین شرایط زیستی روبرو هستند. بخشی هم که دارای اقامت موقت هستند، زندگیشان دست کمی از بخش غیرقانونی ندارد. اینها نیز حق داشتن وسایل نقلیه و حتی تلفن همراه و شماره حساب بانکی ندارند، در نتیجه مجبورند این قبیل وسایل را به نام دیگران بخرند و از این طریق به آن دست پیدا کنند.

صحبت بر سر ۳ میلیون انسان محروم است که اکثریت عظیم آنها، حدود سه دهه است در ایران با مزد نازل در کارهای سخت بدنی به بردگی مزدی در آمده اند، و در شریط بسیار سختی زندگی میکنند و امروز جمهوری اسلامی با این اقدام راسیستی علنا میخواهد محروم ترین بخش جامعه را مورد تعرض قرار دهد و جامعه را علیه آنها تحرک کند، و نفاق بین کارگران ایجاد نماید. این فاشیسم تمام عیار دولت حسن روحانی را باید افشا کرد. باید تعرض راسیستی به بیحقوق ترین و محروم ترین بخش جامعه ایران را، با اعلام همبستگی با آنها، به تعرض متقابل علیه دولت جمهوری اسلامی تبدیل کرد. کمونیستها، آزادیخواهان، رهبران و فعالین کارگری در خارج

و داخل ایران باید این فاشیسم دولتی را بشدت محکوم نمایند و بخش آگاه طبقه کارگر با حمایت از هم طبقه ای های خود و اعتراض به جمهوری اسلامی، تلاش نماید جلو اجرای شدن بخشنامه نژاد پرستانه و ضد کارگری را که در آن، اشتغال اتباع خارجی ممنوع شده است، بگیرد. و با دفاع از حقوق کارگران خارجی و برسمیت شناسی حقوق شهروندی و حق اشتغال برای همه افغانی های ساکن ایران، همبستگی کامل خود را با آنها و سایر کارگران خارجی ساکن ایران اعلام نماید و با صدای بلند نفرت خود را از کلیت جمهوری اسلامی، اعلام کند. علی مطهری ـ ۲۴/۰۷/۲۰۱۴

**در جبهه جهانی کمونیستی... بقیه از صفحه آخر**

قدرتهای امپریالیستی صنعت نظامی خود را ارتقاء می دهند. در سال ۲۰۱۳ تولید جهانی تسلیحات به حدود ۱.۸ هزارمیلیارد دلار رسید، ازجمله ٦٤٠ میلیارد توسط آمریکا، و سپس چین و روسیه قراردارند. بیش از ٤٤٠٠ بمب و موشک اتمی آماده برای عملیات فوری می باشند، که توان ازمیان برداشتن چندین بار تمامی حیات بشرزنده را دارند. اتحادیه اروپا که خود را به مثابه قدرت صلح آمیز معرفی می کند به طور فعال درجنگهای امپریالیستی دربسیاری ازمناطق نظیر افغانستان، لیبی، مالی و خاورمیانه شرکت می کند.

درپایان عمیق ترین بحران اقتصادی و مالی جهان تاکنون **جنگ برای بازارهای جدید** بین قدرتهای مختلف امپریالیستی **شدت یافته است**. به ویژه مراکز قدیمی امپریالیستی نیروهای خود را بیشتر و فشرده تر توسط توافقات تجاری نظیر تجارت و سرمایه گذاری شراکتی در اتحادی موقتی به هم نزدیک می کنند و درعین حال رقابت شان درحال افزایش است. مشترکا آنها هنوزهم بزرگ ترین نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی را درجهان دراختیاردارند. تلاشهای غربی درتصادم با کوشش روسیه درپیدا کردن بازار نزدیک با قزاقستان و بلاروس قرار می گیرد. آمریکا ادعای خواستهائی در اقیانوس آرام و انگلیس در بخش جنوبی اقیانوس اطلس را دارند.

**بحران اوکراین** ـ همانند تجاوزات قبلی فریبکارانه دریوگوسلاوی ـ اکنون **خطرناک ترین نقطه اغتشاش** در رقابت گری امپریالیستی می باشد. خطر افزایش آن با ماهیتی طولانی بین آمریکا/ ناتو در تضعیف نفوذ روسیه و ازطریق روسیه با دفاع شدید از منطقه زیرنفوذ امپریالیستی اش جریان می یابد. درحالی که نیروهای ناتو مانوورهای خود را در لهستان، کشورهای بالتیک و دریای سیاه، درشرق مدیترانه و در دریای سیاه افزایش می دهند، ناتو رئیس جمهور چندمیلیاردری تازه اوکراین پوروشنکو را «ازنظر نظامی» در حوادث جنگی حمایت می کنند و مزدوران آمریکا را تحت نام اوکرائینی شرقی وادار به عملیات می نمایند. با توافقات هم کاری با اوکراین، مولداوی و گرجستان، اتحادیه اروپا به طور تجاوز کارانه ای وارد منطقه نفوذ تا کنون و بازار زیرسلطه روسیه می شود.

روسیه به نوبه خود به تاکتیک نظامی ـ سیاسی توسعه طلبانه درکریمه و درشرق اوکراین ادامه داده و اوکراین اشغال شده با مانوورهای مخفی وستک ـ ۲۰۱٤ با «به کارگیری نیروها از مسافات طولانی را می آزماید. **سازمان KSRD ایکور، شورای هماهنگی جنبش طبقه کارگر اوکراین،** فراخوان مقاومت فعال علیه هرنوع مداخله امپریالیستی را داده و کار متقاعدسازی درمورد راه حل پایه ای را ازطریق مبارزه برای اوکراین متحد سوسیالیستی می دهد.

ایکور بلافاصله موضعی علیه **تجاوز امپریالیستی اسرائیل در غزه** گرفت: «همراه با اوکراین، خاورمیانه محل مجادله دررقابت امپریالیستی برای تقسیم مجدد مناطق زیرنفوذ قدرتها شده و به نقطه خطرناک آشوب در خطر عمومی رشد جنگ تبدیل شده است. (...) هماهنگی بین المللی احزاب و سازمانهای انقلابی (ایکور) تجاوز صهیونیستی ـ امپریالیستی اسرائیل به فلسطین و به ویژه ساکنان فلسطینی در نوارغزه و ساحل شرقی را محکوم می کند. (...) اسرائیل می خواهد برتری استراتژیکی ازبحران افتاده بردوش توده ها در خاورمیانه را به دست آورد. با تجاوز به قانون بشر به تلاش برای اشغال دائمی نوارغزه می پردازد. نیاز به سرزمین دارد و گاز و بدین منظور به جنایات جنگی نامحدود درنسل کشی غیرنظامیان ادامه می دهد. (...) **حملات اسرائیل به نوارغزه باید قطع گردند! مبارزه برای راه حل دموکراتیک و عادلانه به منظور فلسطین آزاد و دموکراتیک!»**

هم چنین در**آفریقا** ما مرتبا شاهد حضور وسیع نیروهای اسلامی ـ فاشیست هستیم که نه تنها سومالی، بلکه هم چنین سودان، نیجریه یا مالی را به هرج و مرج کشانده اند. قدرت یابی این نیروها انعکاسی است از سیاست تهاجمی ضد ترور امپریالیسم. یک **ارتش فاشیستی ـ اسلامی** به شدت مسلح شده به نام «داعش» («دولت اسلامی عراق و شام») عمده تا توسط قطر و عربستان سعودی توانست سه شهربزرگ عراق ـ ازجمله موصل، دومین شهر بزرگ ترین و با ساکنان کرد ـ را تصرف کند. مبارزه برای حق تعیین سرنوشت خلقها و ملتها مورد دفاع ایکور به ویژه درمبارزه برای روجاوا مبارزه ای نمونه برای آزادی و دموکراسی علیه هرنوع جریانات ارتجاعی درسوریه می باشد. این یک اصل ثابت ایکور درمبارزه علیه هرنوع تهاجم امپریالیستی و تجاوز به حق تعیین سرنوشت ملل و سازماندهی هم بسته گی بین المللی طبقه کارگر می باشد.

ایکور فراخوان تظاهرات برای صلح و دوستی بین ملل و علیه جنگ طلبان امپریالیست در ٦ اوت در آسیا و اول سپتامبر در اروپا، روزجهانی مبارزه علیه فاشیسم و جنگ را می دهد.

«رقابت بین امپریالیستها، به ویژه قدرتهای عمده امپریالیستی، مرتبا آتش بیار خطر جنگ جهانی بوده و درگیریهای مسلحانه منطقه ای را در مبارزه برای تجدیدتقسیم جهان باعث می شود.» (رجوع شود به قطعنامه تاسیس ایکور). مع الوصف، درمقابله با سرخم کردن دربحران نظام جهانی امپریالیستی، انقلاب پرولتری جریان عمده باقی می ماند. اعتقادما براین است که قاطع ترین مبارزه علیه رشد خطر بالابردن سطح جنگهای محلی و منطقه ای به معنای غلبه برامپریالیسم به طریقی انقلابی و استقرار سوسیالیسم در تمامی جهان می باشد.

٦ اوت و اول سپتامبر:

**در روزجهانی مبارزه علیه جنگهای ترفیعی فاشیسم و امپریالیسم به خیابانها بریزید!**

**برای صلح، دوستی بین خلقها ـ سوسیالیسم مبارزه کنید!**

**کارگران تمامی کشورها، متحدشوید!**

**کارگران تمامی کشورها و خلقهای ستمدیده، متحد شوید!**

---

**امضاها تا ۱۲ اوت ۲۰۱٤، امکان امضای بیشتر موجوداست**

۱.س.ا.ک.(سازمان انقلابی کنگو) درجمهوری دموکراتیک کنگو.

۲. خ.پ.م.ل.م.(خط پرولتاریائی مارکسیست ـ

**انترناسیونالیسم پرولتری درتشکلی جهانی تحقق پذیراست!**

لنینیست مراکش)
۳. ح.ک.آ.ج.(م.ل.)(حزب کمونیست آفریقای جنوبی (مارکسیست ـ لنینیست))
٤. س.م.ل.ا.(سازمان مارکسیست ـ لنینیست افغانستان)
٥. ح.ک.ب.(حزب کمونیست بنگلادش)
٦.ح.ک.ه.(م.ل.) (حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست ـ لنینیست))
۷. ک.م.م.ح.ک.ه.(م.ل.) (کمیته مرکزی موقت حزب کمونیست هندوستان(مارکسیست ـ لنینیست))
۸. ح.ر.ا. (حزب رنجبران ایران)
۹. ح.ک.ن.(م.) (حزب کمونیست نپال (متحد))
۱۰. ح.ک.ن.(ماشال) (حزب کمونیست نپال (ماشال))
۱۱.گ.ا.ک.ب.ر.(گروه انقلابیون کمونیست بیلوروس)
۱۲. ح.ک.ب. (حزب کارگران بلغارستان ـ کمونیست)
۱۳.ام.ال.پ.د.(حزب مارکسیست ـ لنینیست آلمان)
۱٤. ط.س.ه. (طلوع سرخ هلند)
۱٥. ج.ک.ی. (حزب کار یوگوسلاوی) سابق
۱٦. ح.ک.م.ل.ت./ش.ک. (حزب کمونیست مارکسیست ـ لنینیست ترکیه/ شمال کردستان)
۱۷.س.ک.ل. (سازمان کمونیستی لوکزامبورگ)
۱۸.ش.ه.ج.ط.ک.ا.(شورای هماهنگی جنبش طبقه کارگر اوکراین)
۱۹. ح.ک.چ.- ح.ک.چ.(حزب کمونیست چکوسلواکی ـ حزب کارگران چکوسلواکی)
۲۰. ح.ک.ک. ـ م.(حزب کمونیست کلمبیا ـ مائوئیست)
۲۱. ح.ک.(م.ل.)ج.د. (حزب کمونیست (مارکسیست ـ لنینیست) جمهوری دومنیکن)
۲۲. ح.ک.م.ل.پ. (حزب کمونیست (مارکسیست ـ لنینیست ) پاناما)
۲۳. ح.ک.پ.(م.) (حزب کمونیست پاراگوئه(مستقل))
۲٤. ح.م.ل.پ (حزب مارکسیست ـ لنینیست پرو)
۲٥. ح.پ.پ. (حزب پرولتاریائی پرو)
۲٦. س. ج. ک. م. (سازمان جوانان کمونیست مجارستان)

## اعلامیه: قطع تجاوز امپریالیستی اسرائیل علیه خلق فلسطین! راه حل عادلانه و دموکراتیک برای درگیری درفلسطین!

هماهنگی بین المللی احزاب هماهنگی بین المللی احزاب و سازمانهای انقلابی (ایکور) تجاوز صهیونیستی ـ امپریالیستی اسرائیل علیه فلسطین و به ویژه فلسطینیان ساکن نوارغزه و ساحل غربی را محکوم می کند. بیش از ۱۰۰۰ فلسطینی، به ویژه زنان و کودکان، تا به حال به قتل رسیده اند، ۳۰۰۰ نفر زخمی و دهها هزار نفر دیگر به دلیل بمباران وحشیانه، حملات ازطریق دریا و به کارگیری نیروهای زمینی خانه و کاشانه ی خود را ازدست داده اند. تنها دولت اسرائیل ادعا می کند که آنها «ضربه تلافی جویانه» محدودی را پیش می برند. واقعیت امر این است که حمله نظامی از مدتها قبل با پشتیبانی آمریکا و اتحادیه اروپا آماده شده و به دنبال بهانه هائی بوده اند تا شروع جنگی امپریالیستی علیه خلق فلسطین را توجیه نمایند. این عکس العمل تحریک آمیز دولت اسرائیل به دولت مشترک جدید فلسطینی تشکیل شده توسط حماس و الفتح بود. اسرائیل خواستار مزیتی استراتژیک در انداختن بحران درخاورمیانه بر دوش مردمان آن است. با زیرپا گذاشتن قانون بشری اسرائیل درتلاش برای اشغال دائمی نوارغزه است. او نیاز به سرزمین و گاز دارد و به خاطرآن قصدش ارتکاب جنایات جنگی و نسل کشی غیرنظامیان و سرزمین بدون سرنشین می باشد.

ما، کشورهای امپریالیستی حامی و مدافع اسرائیل را همراه با متمایز سازی انتقاد و تظاهرات درکشورهای خودشان علیه ترور دولتی حکومت صهیونیستی به بهانه ی ضد یهودیت بودن و جلوگیری از آنها را محکوم می کنیم.

ما حمایت قدرتهای امپریالیستی از اسرائیل، تبلیغات دروغین حفاظت از مرزها، و یا به اصطلاح « حق دفاع ازخود اسرائیل علیه حملات تروریستی» و توجیه سیاست « حق الهی» را محکوم می کنیم. تجاوز آشکار دولت صهیونیستی اسرائیل، که بخش بزرگی از فلسطین را به اشغال درآورده است، نوار غزه را در محاصره وحشیانه ای درآورده است، خانه سازی جدید در خاک فلسطین را ادامه می دهد و غیره محکوم می کنیم.

ما هم چنین تلاش نفوذیابی قدرتهای ارتجاعی منطقه ترکیه، عربستان سعودی، قطر یا فاشیستهای اسلامی ایران ( همه ی این کشورها رابطه یکسانی با اسرائیل ندارند)، که برای منافعشان درقدرت منطقه ای شدن به حساب مردم فلسطین تلاش می کنند، محکوم می کنیم.

ما حملات ضد یهودیت و گرایشات در درون جنبش رهائی بخش فلسطین و درجنبش هم بسته گی با مردم فلسطین را محکوم می کنیم. ضد یهودیت و صهیونیسم ایده ئولوژی نژادپرستانه درخدمت نظام سرمایه داری است و هدف آن تقسیم کردن نیروهای مترقی و انقلابی جهان و مقابل هم قراردادن توده ها ، به ویژه کارگران اسرائیل و فلسطین می باشد. ما تلاشهای با هدف ایجاد توهم توسط محاسبات عوام فریبانه معادل قراردادن ضدصهیونیستی با ضد یهودیت را محکوم می کنیم.

از پایان جنگ جهانی دوم، کمونیستها و دیگر انقلابیون از راه حل عادلانه درکشمکش فلسطین دایربر دفاع از حقوق فلسطینیان و اسرائیلیها با روحیه دوستی بین مردمان حمایت کرده اند. امروز این نیاز به «راه حل دو کشور» دموکراتیک با حق حاکمیت اسرائیلیها و فلسطینیان دارد. این گامی بینابینی در راه ایجاد کشور مشترک فلسطین که درآن مردمان اسرائیل و فلسطین به اتفاق هم زنده گی کنند با احترام متقابل و اعتماد بدون تبعیض و سرکوب می باشد. این تنها با مبارزه برای آزادی ملی و اجتماعی حاصل می شود.

هم راه با اکراین، خاورمیانه هسته ی مجادله در رقابت امپریالیستی برای تجدید تقسیم مناطق زیرقدرت و نفوذ است و به نقطه خطرناک درگیری و خطر عمومی جنگ تبدیل شده است. ما کارگران، زنان، جوانان، کلیه دموکراتها و دوست داران صلح را فرامی خوانیم اعتراضات، تظاهرات و مقاومت خود را به ویژه در ٦ اوت ، روز ضد جنگ آسیا و در اول سپتامبر روز ضدجنگ اروپا، گسترش دهند.

**قطع حملات اسرائیل به نوارغزه!**
**راه حل درست دموکراتیک دو کشور در رسیدن به فلسطین دموکراتیک و آزاد!**
**علیه امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع عرب و فاشیسم اسلامی!**
**هم بسته گی با مبارزات رهائی بخش ملی و رهائی اجتماعی درفلسطین!**
**مبارزه برای صلح، دوستی بین ملل ـ سوسیالیسم!**
**زنده باد هم بسته گی بین المللی!**

---

**امضاها ( تا ۲۹ ژوئیه**، امضاهای بیشتردرآینده ممکن است) :
۱. س.ا.ک.(سازمان انقلابی کنگو) درجمهوری دموکراتیک کنگو.
۲. خ.پ.م.ل.م.(خط پرولتاریائی مارکسیست ـ لنینیست مراکش)
۳. ح.ک.آ.ج.(م.ل.)(حزب کمونیست آفریقای جنوبی (مارکسیست ـ لنینیست))
٤. س.م.ل.ا.(سازمان مارکسیست ـ لنینیست افغانستان)
٥. ح.ک.ب.(حزب کمونیست بنگلادش)
٦. ح.ک.ه.(م.ل.) (حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست ـ لنینیست))
۷. ک.م.م.ح.ک.ه.(م.ل.) (کمیته مرکزی موقت حزب کمونیست هندوستان(مارکسیست ـ لنینیست))
۸. ح.ر.ا. (حزب رنجبران ایران)

۹. ح.ک.ن.(م.) (حزب کمونیست نپال (متحد))
۱۰. ح.ک.ن.(ماشال) (حزب کمونیست نپال (ماشال))
۱۱.گ.ا.ک.ب.ر.(گروه انقلابیون کمونیست بیلوروس)
۱۲. ح.ک.ب. (حزب کمونیست بلغارستان)
۱۳. ح.پ.ب.(حزب پرولتری بلغارستان )
۱٤.ام.ال.پ.د.(حزب‌مارکسیست‌لنینیست‌آلمان)
۱۵. ت.س.ک.اس. (تجدیدساختمان کمونیستی اسپانیا)
۱٦. ح.ب.ش.ک.ت. (حزب بلشویک(شمال کردستان ـ ترکیه))
۱۷. س.ک.ل. (سازمان کمونیستی لوکزامبورگ)
۱۸. ط.س.ه. (طلوع سرخ هلند)
۱۹. پ.ک.ل.ر. (پلاتفرم مارکسیست ـ لنینیستی روسیه)
۲۰. گ.م.ل.س. (گروه مارکسیست ـ لنینیستی سوئیس)
۲۱. ح.ک.ی. (حزب کار یوگوسلاوی)
۲۲. ج.م.ک. اس. (جنبش مقاومت کارگری اسلواکی)
۲۳. ح.ک.م.ل.ت./ش.ک. (حزب کمونیست مارکسیست ـ لنینیست/ شمال کردستان)
۲٤. ح.ک.ک.م. (حزب کمونیست کلمبیا ـ مائوئیست)
۲۵. ح.ک.م.ل.ج.د. (حزب کمونیست (مارکسیست ـ لنینیست) جمهوری دومینیکن)
۲٦. ح.ک.م.ل.پ. (حزب کمونیست (مارکسیست ـ لنینیست ) پاناما)
۲۷. ح.م.ل.پ (حزب مارکسیست ـ لنینیست پرو)
۲۸. ح.پ.پ. (حزب پرولتاریائی پرو)

---

اعلامیه ۲٤ مارس ۲۰۱٤ ایکور:

## اوکراین: خطر بروز جنگ درشرف تکوین مقاومت فعالی علیه مهاجمان امپریالیست را ایجاب می کند

درواقع، یک درگیری نظامی درکریمه اوکراین شروع شده است: از اول مارس نیروهای دریائی روسیه در دریای سیاه نقاط استراتژیک مهمی را اشغال کردند. مقدمتا پوتین رئیس جمهور روسیه از دومای روسیه قدرت تام الاختیار را برای انجام یک کودتای نظامی علیه اوکراین گرفت. دریک رفراندوم پذیرفته نشده توسط حکومت اوکراین، ضمیمه شدن کریمه به فدراسیون روسیه صورت گرفت.

رژیم سرسپرده اوکراین نیروهایش را فراخواند. در حالت بروز یک جنگ صریح دولت موقت اوکراین رسما از ناتو برای «کمک رسانی» نظامی تقاضانمود.

ناتو، آمریکا و اتحادیه اروپا اولین تحریمها را شروع کردند، وبرنامه ریزی برای تحریمهای دیگر؛ G۸ اولین بار در روسیه جلسه گذاشتند. آمریکا تاکنون ۱۲ هواپیمای جنگی برای یک «تمرین» به لهستان فرستاد و ۸ فروند دیگر به لیتوانی. چین اما درکنار روسیه قرارگرفت.

آن چه که درآخر سال گذشته با یک جنبش توده ای متمایل به اتحادیه اروپا، ازنظر مالی توسط آمریکا و اتحادیه اروپا، تامین شد، منجر به سرنگونی رئیس جمهور طرفدار روسیه و جای گزینی آن با دست نشانده آمریکا/ناتو و درنتیجه یک **بحران سیاسی جهانی** گردید یک «انقلاب» جدید چندرنگی، سازمان یافته توسط کشورهای امپریالیست غربی در اوکراین با کمک فاشیستها، به کودتا انجامید.

به طریقی عوام فریبانه روسیه صحبت از « حفاظت از مردم اساسا روس زبان کریمه» نمود و این بهانه را به دست گرفت برای تجاوز نظامی اش دربرابر نیروهای مافوق ارتجاعی فاشیست اوکراین که خود را به طور واقعی تقویت می کنند. ناتوبرعکس به روسیه ریا کارانه هشدار داد به «احترام گذاشتن به حق حاکمیت اوکراین». درحالی که این آمریکا و اتحادیه اروپا بودند که طی هفته های گذشته، با استفاده از تظاهرات توده ای دراوکراین و دراتحاد با مخالفان ارتجاعی و بخشا ضدکمونیست و فاشیست رئیس جمهورارتجاعی یانوکوویچ را وادار به فرار کردند و حکومتی طرفدار اتحادیه اروپا و آمریکا را مستقر ساختند.

**دروسط اروپا منافع متضاد امپریالیستی در برتری اقتصادی، سیاسی و نظامی به درگیری آشکار منجر شده است.**

اوکراین براثربحران اقتصادی جهان و تاثیر ویژه اش، شلاق سختی خورده است، که تضادهای سیاسی و اجتماعی را تکامل و تمرکز داده است. نارضایتی طبقه کارگر و توده های مردم اوکراین با وضعیت اجتماعی وسیاسی شدت یابنده ای رو به رو شده است.

KSRD ،مارکسیست ـ لنینیستهای سازمان ایکور، کار روزانه انقلابی با حوصله و منظمی را در میان توده های پائین و درشرایط سخت پیش برده و نیاز فوری به کمک و حمایت دارند. از طبقه کارگر بین المللی و تمامی انسانهای دوست دار صلح می خواهیم **مقاومت فعال** و هم بسته گی بین المللی را رشد دهند!

**•علیه دخالت گری و فعالیتهای جنگ طلبانه امپریالیستهای آمریکا و ناتو و روسیه در اوکراین و درکریمه مبارزه کنیم!**

**•مقاومت فعال علیه هرنوع دخالت گری امپریالیستی!**

**• هم بسته گی با مبارزه برای آزادی ملی و اجتماعی طبقه کارگر و توده های مردم اوکراین!**

**•زنده باد هم بسته گی بین المللی!**

**•کارگران همه کشورها، متحدشوید!**

**•کارگران همه کشورها و خلقهای تحت ستم، متحد شوید!**

---

**امضاها (به تاریخ ۲۰۱٤/۰۳/۲۸، امضاهای دیگر نیز ممکن است):**

۱. سازمان انقلابی کنگو- ORC
۲. خط مشی پرولتاریائی مارکسیست ـ لنینیستی مراکش- MMLPL
۳. حزب کمونیست آفریقای جنوبی (مارکسیست ـ لنینیست) CPSA(ML)
٤. حزب وطن پرست سوسیالیست انقلابی واتاد تونس - PPSR WATAD
۵. سازمان مارکسیست ـ لنینیست افغانستان - MLOA
٦. حزب کمونیست بنگلادش - CPB
۷. حزب کمونیست هندوستان(مارکسیست ـ لنینیست) - CPI(ML)
۸. حزب رنجبران ایران - ppi
۹. حزب کمونیست نپال(متحدشده) - CPN(Unified)
۱۰. حزب کمونیست نپال(ماشال) - NCP(Mashal)
۱۱. حزب کمونیست بلغارستان - . БКП
۱۲. حزب مارکسیست ـ لنینیست آلمان - MLPD
۱۳.طلوع سرخ هلند - RM
۱٤. پلاتفرم مارکسیست ـ لنینیستی روسیه - MLP
۱۵. گروه مارکسیست ـ لنینیست سوئیس - MLGS
۱٦. حزب کار صربستان - PR
۱۷. اتحاد جوانان کمونیست چکسلواکی، جمهوری چک - SMKC
۱۸. اتحاد کمونیستهای انقلابی ترکیه - TIKB
۱۹. حزب مارکسیست ـ لنینیست ترکیه/ کردستان شمالی- MLKP
۲۰. حزب کمونیست کلمبیا ـ مائوئیست - PCC- M
۲۱. حزب کمونیست (مارکسیست ـ لنینیست) جمهوری دومینیکن - PC( ML)
۲۲. حزب کمونیست (مارکسیست ـ لنینیست) پاناما - PC/ML
۲۳. حزب کمونیست پاراگوئه (مستقل) - PCP(Independent)
۲٤. حزب مارکسیست ـ لنینیست پرو - PML Del Peru

**دست امپریالیستها ازدخالت در اوکراین و صهیونیستها درفلسطین کوتاه باد!**

تشدید تضاد ... بقیه از صفحه آخر

جهانی را در موقعیت خطرناکی قرار داده و زرادخانه های خود از سلاح های هدایت شونده دقیق را ایجاد کرده است. »

« مهم نیست که چه، هم تایان غربی ما به ما می گویند، ما می توانیم ببینیم چه خبر است. هم چنانکه واضح است، ناتو آشکارا (به طور ناخوشایند) نیروهای خود را در اروپای شرقی متمرکز می سازد، از جمله در دریای سیاه و مناطق دریای بالتیک. فعالیتهای آموزشی عملیاتی و رزمی در سنجش افزایش می یابد. »

پوتین اظهار داشت که تقویت و توسعه نظامی ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه فقط برای دفاع نیستند، اما "سلاح تهاجمی" است و یک "عنصری از سیستم تهاجمی ایالات متحده، مستقر شده در خارج از مرزهای کشوری خود می باشد."

**زیر ساختهای نظامی در کریمه و سواستوپول از نو ساخته می شوند**

«با توجه به وضعیت کنونی؛ ما نیاز داریم که بی درنگ و با پشتکار تمام، کلیه اقداماتی را که برنامه ریزی شده اند به تقویت توانائی های دفاعی ملتمان، از جمله برنامه های طرح ریزی شده ما برای کریمه و سواستوپول، جائی که ما عملاً باید معماری نظامی مان را از ابتدای شروع کار به قدرت برسانیم.»

**در مورد تحریم ها و حاکمیت**

پوتین تحریم های دوره ای اعمال شده از جانب ایالات متحده و اتحادیه اروپا به روسیه که از زمان الحاق کریمه به روسیه آغاز شد و تا بعد از سقوط هواپیمای ام اچ ۱۷ در اوکراین انجام گرفت را انتقاد کرده است.

**زبان التیماتوم و تحریم بیشتر و بیشتر تکرار می گردد**

پوتین گفت: «مفهوم حاکمیت دولت این روزها کاملاً رقیق شده است. رژیم های ناخواسته و کشورهائی که در تلاشند برای اعمال سیاستهای مستقل و یا به سادگی خود را مقابل منافعی قرار بدهند، در حال بی ثبات شدن می باشند.»

او اضافه کرد، « تلاشهای فراوان با هدف بی ثبات کردن اوضاع اجتماعی و سیاسی، پرتاب کردن روسیه و حمله کاری به نقاط آسیب پذیر و مردم آن عملی شده و انجام خواهد گرفت.»

به گفته پوتین، کشورهای غربی در تلاش هستند تا « روسیه را وادار به توافق کنند، به طوری که برخی از موارد در عرصه بین المللی به نفع کشورهای دیگر حل و فصل شود. »

پوتین هم چنان اشاره کرد: « مبارزه رقابتی (مقرون به صرفه) در عرصه بین المللی استفاده از ابزار را در هر دو زمینه ی اقتصادی و سیاسی مفهوم خواهد داد. این شامل خدمات بالقوه امنیتی، فن آوری اطلاعات و ارتباطات مدرن، و ارتباطات وابسته، سازمانهای غیر دولتی دست نشانده - به اصطلاح قدرت ضعیف می باشد. » و « ظاهراً برخی از کشورها آنرا به عنوان دمکراسی تلقی می کنند. »

پوتین تأکید کرد که روسیه دارای لبه برنده ای بیش از سایر کشورها می باشد، هم چنان که روسیه عضو هیچ کدام از ائتلاف ها نمی باشد.

**«روسیه به هیچ ائتلافی تعلق ندارد - و آن این است که، تا حد زیادی، سنگ بنای حاکمیت ما است.»**

«هر کشور عضو ائتلاف، بخشی از حاکمیت خود را از دست داده و این به ندرت در هماهنگی با منافع ملی آن کشور خواهد بود. اما، این تصمیم مستقل خود آنهاست.»

«در آن بخش که به ما مربوط می شود، ما کلیه قواعد بین المللی و تعهداتمان را نسبت به شرکایمان دنبال می کنیم. ما انتظار داریم سایر کشورها، ائتلافهای نظامی و سیاسی - روسیه جزء هیچ ائتلافی نیست، و آن اساس حاکمیت ما را تشکیل می دهد - منافع ملی ما را در نظر بگیرند.»

## قطع همکاری‌های هسته‌ای آمریکا و روسیه

به دلیل افزایش تنش‌ها میان آمریکا و روسیه بر سر مساله اوکراین، هرگونه همکاری هسته‌ای بین این دو کشور متوقف شده است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) و به نقل از نیویورک تایمز، با افزایش اختلاف‌های مسکو و واشنگتن بر سر مساله اوکراین و نیز پس از این که آمریکا دولت پوتین را متهم به تحریک روس‌گرایان اوکراین به شورش علیه دولت مرکزی این کشور کرد، تفاهم‌نامه هسته‌ای که به تازگی میان دو کشور منعقد شده بود، لغو شد.

این تفاهم‌نامه یکی از پرهزینه‌ترین قراردادهای همکاری میان دو کشور در زمینه تولید انرژی هسته‌ای است که شامل تبادل تکنولوژی دو کشور با یکدیگر و اجازه بازدید از تأسیسات هسته‌ای را برای دانشمندان هسته‌ای آمریکا و روسیه فراهم می‌کند.

ارنست مونیز، وزیر انرژی دولت اوباما و یکی از پروفسورهای دانشگاه ام آی تی، از افرادی که در طول جنگ سرد خواستار ایجاد روابط دوستانه میان آمریکا و روسیه بودند حدود ۱۱ ماه پیش برای امضای تفاهم‌نامه همکاری‌های هسته‌ای با روسیه به وین سفر کرد.

کارشناسان معتقدند که این مساله نشان‌دهنده تمایل دولت اوباما برای افزایش روابط دوستانه میان دو کشور بوده است.

تفاهم‌نامه‌ای که به امضای وزیر انرژی آمریکا با همتای روسی‌اش سرگئی کرینیکو رسید به دانشمندان روسی اجازه می‌داد از بزرگترین مرکز هسته‌ای آمریکا و آزمایشگاه لوس آلموس که در ایالت نیومکزیکو واقع است مکانی که هفتاد سال پیش نخستین بمب اتمی در آن ساخته شد، بازدید و بررسی به عمل آورد. درعوض این تفاهم‌نامه به دانشمندان هسته‌ای ایالات متحده نیز اجازه ورود به همه تأسیسات زیرزمینی و مخفی هسته‌ای روسی را می‌دهد.

در حال حاضر سازمان انرژی آمریکا نشست‌های مقامات هسته‌ای خود با روسیه و همچنین اجازه بازدید از آزمایشگاه های هسته‌ای‌اش را به دلیل اختلاف دو کشور در مساله اوکراین لغو کرده است.

دنیل پونمن، سخنگوی وزیر انرژی آمریکا در همین رابطه اظهار کرد: به دلیل تصمیم غیرمنطقی مسکو در زمینه اضافه شدن شبه جزیره کریمه به خاک روسیه هر گونه همکاری هسته‌ای با روسیه متوقف شده است. در حال حاضر دلیل مناسبی برای ادامه همکاری با روسیه در چارچوب تفاهم‌نامه هسته‌ای که سال گذشته به امضای وزیران انرژی دو کشور رسید وجود ندارد.

برخی از کارشناسان معتقدند که آمریکا با قطع همکاری هسته‌ای‌اش با روسیه فرصت طلایی که پس از حدود نیم قرن در زمینه شناخت تأسیسات هسته‌ای یکدیگر و پایان یافتن رقابت نظامی دو کشور به وجود آمده بود را از دست داد. هم اکنون به دلیل کاهش همکاری‌های دو کشور در سطح گسترده به نظر می‌رسد دو کشور به دوران جنگ سرد بازگشته‌اند.

عکس‌های ماهواره‌ای که توسط سرویس‌های جاسوسی آمریکا گرفته شده است نشان‌دهنده تحرکات سنگین نظامی روسیه در نزدیکی مرز اوکراین است.

این مساله که باراک اوباما، رییس‌جمهور آمریکا پس از آن که دو کشور در سال گذشته مشغول منعقد کردن قراردادهای مختلف همکاری میان دو کشور در زمینه‌های تجاری و علمی بودند پس از بروز اختلاف بین دو کشور در مساله

اوکراین بسرعت تغییر رویه داده است نشان‌دهنده پی بردن اوباما به این مساله است که اجازه دادن به دانشمندان هسته‌ای روسیه برای بازدید از آزمایشگاه هسته‌ای لوس آلموس غیرمنطقی است.

به گفته رییس پیشین آزمایشگاه هسته‌ای لوس آلموس که سابقه همکاری نزدیکی با دانشمندان هسته‌ای روسیه را دارا است به نظر می‌رسد تلاش بیست ساله ایالات متحده آمریکا در جهت پی‌بردن به ابعاد نظامی روسیه و اطمینان از ایجاد نشدن خطر سلاح‌های هسته‌ای روسیه علیه آمریکا با لغو تفاهم‌نامه همکاری‌های هسته‌ای بی‌ثمر خواهد ماند.

همچنین اختلافات عمیق دیگری نیز از قبیل مساله هسته‌ای ایران، رقابت نظامی دو کشور با یکدیگر و فعالیت‌های فضایی در ایستگاه بین‌المللی نیز وجود دارد.

با وجود آن که کاخ سفید در تلاش برای صدور تحریم‌های بیشتری علیه روسیه است تبادل تکنولوژی و دانشمندان هسته‌ای میان دو کشور منطقی به نظر نمی‌رسد.

این در حالی است که گراهام آلیسون، پروفسور دانشگاه هاروارد و یکی از مقامات پیشین مذاکره کننده با روسیه در زمینه افزایش همکاری‌های هسته‌ای میان دو کشور در دولت کلینتون در این زمینه اظهار کرد: به وجود آمدن روابط نزدیک و سازنده میان دانشمندان هسته‌ای ایده خوبی است. مردم و دانشمندان دو کشور بهتر است یکدیگر را بشناسند و در پروژه‌های هسته‌ای و علمی گوناگون با یکدیگر همکاری سازنده‌ای داشته باشند. ۱۱ مرداد ۱۳۹۳

## کشتی های ناتو در عرض ده دقیقه غرق خواهند شد، اگر آنها به روسیه حمله ورشوند -

**هشت اوت ۲۰۱۴**

امروز تعداد کشتی های ناتو در آب های دریای سیاه بیشتر از تعداد کشتی ها در زمان اتحاد جماهیر شوروی است. حتی در طول جنگ با گرجستان در سال ۲۰۰۸ ، ائتلاف و ایالات متحده، این تعداد رزمناو، ناو پاسور یا محافظ، ناو پاسدار و ناو های اکتشافی به دریای سیاه نفرستاده بودند. امروز ۹ تا از آنها در دریای سیاه مستقر شدند اما، مقامات وزارت دفاع روسیه می گویند، هیچ جای ترسی نباید وجود داشته باشد. در صورت تجاوز به فدراسیون روسیه، فقط ۹ تا از کشتی های ناتو برای تنها چند دقیقه قادر به شناور بودن خواهند بود.

منبعی گفت: « در حوزه دریای سیاه، رزمناو ولا، متعلق به نیروی دریائی آمریکا موجود است، ناو پاسور یا محافظ سورکاف فرانسه، دو قایق اکتشافی فرانسه و ایتالیا، یکی دوپویی دلومه و قایق اکتشافی نیروی دریائی ایتالیا به نام الترا می باشند ». علاوه براین یک کشتی گشت زنی ایتالیائی و مین یاب ترکیه و یک کشتی دفاع ضد مین انگلیسی در مانورهای ناتو شرکت دارند.

با توجه به کنوانسیون مانتراکس، از سال ۱۹۳۶ کشتی های جنگی کشورهائی که در مجاورت دریای سیاه نیستند، ممکن است در آبهای دریای سیاه به مدت ۲۱ روز بمانند. قابل توجه این که در طول شورش میدان استقلال در اوکراین، و پس از پایان بازی های اولمپیک ۲۰۱۴ در سوچی، دیپلماتها و مقامات نظامی اشاره کردند که ایالات متحده و ناتو کنوانسیون نام برده را از لحاظ گنجایش کشتی ها بر حسب تن و زمان حضور کشتی های جنگی در آبهای دریای سیاه نقض کرده اند.

نکته جالب توجه اینکه، ناوگان دریای سیاه روسیه، گسیل کشتی های خود در دریای سیاه را نیز به منظور مانور دریائی به پایان رسانده است. گفته می شود که این تمرین ها در قلمرو کل دریای سیاه صورت می گیرد. کشتی های جنگی، موشک ها را شلیک می کنند، و هواپیما های بمب افکن عملیات بمبارانهای عظیمی را در جهت هدف (یا نشانه روی) مشخص انجام می دهند، واحد های موشکی و توپخانه ساحلی هم چنین به منظور تمرین، عملیات نظامی برای منهدم کردن ناوگان دشمن و فرود آمدنها از شبه جزیره های اطراف (یا سرزمین اصلی) انجام می دهند.

مقامات وزارت دفاع روسیه گفتند که هدف از این تمرین ها و تعلیمات اینست که « دفاع از ارتباطات دریائی و مناطق استقرار »، از جمله پرتاب موشک، پرتاب موشکهای کروز، بمباران مواضع پیچیده هدف گیری و پرتاب موشک توسط سیستم های دفاع ساحلی صورت گیرد.

معاون دبیر کل ناتو، اسکندر ورشبو به تازگی اعلام کرد که با توجه به بحران اوکراین، ناتو روسیه را دشمن اعلام کرد، نه یک شریک. دبیر کل ناتو، آندرش فوگ راسموسن اخیراً اذعان کرد که روسیه « دقیق تر و سریع تر از ناتو می جنگد. » او اضافه کرد: حتی در مورد حفظ صلح و یا مداخله نظامی روسیه در اوکراین، ناتو با روسیه جنگ نخواهد کرد.

یک افسر ارشد وزارت دفاع روسیه در وب سایت (*) گفت: « نیروی دریائی ناتو هیچ گونه تهدیدی را اقامه نمی کند. این فقط فشاریست که بر فدراسیون روسیه وارد می آید، راهی برای حمایت از اوکراین و تسلی..... شرکای دون پایه ناتو ». همان افسر ارشد خاطرنشان کرد، « کشتی هائی که در حال حاضر در آبهای دریای سیاه مستقرند، قادر نخواهند بود آسیب قابل توجهی یا به ناوگانهای دریای سیاه روسیه و یا به خاک روسیه، حتی اگر آنها خواهان چنین کاری باشند، بزنند. در صورت تجاوز به روسیه، آنها در ظرف پنج تا ده دقیقه از بین خواهند رفت اما، هیچ کس احتیاج به حمله هسته ای که ممکن است بعداً انجام گیرد ندارد. »

این مقام هم چنین خاطرنشان کرد که تقلید از این حمله از بمب افکن های روسی سوخوی ۲۴ بر روی ناو هواپیما بر یو اس اس دونالد کوک، « تأثیری با تضعیف روحیه » ملوانان را همراه داشت. رسانه های خارجی گزارش داند که « ۲۷ نفر از ملوانان ناو ویرانگر یو اس اس کوک نیروی دریائی ایالات متحده از استعفاء خود گزارش کتبی ارائه دادند، در حالیکه روانشناسان نظامی می بایست با کسانی که ماندگار شدند کار می کردند. »

هم چنین گزارش داده شده است که « ملوانان روسیه در مانوری در مقیاس عظیم در دریای سیاه در گیر بودند و فعالیتهای کشتی های ناتو را تحت نظارت دارند. »

politonline.ru *

**به تارنما های اینترنتی حزب رنجبران ایران مراجعه کنید و نظرات خود را در آنها منعکس کنید!**

**پیرامون صف آرائی نوین در سطح جهانی ...** بقیه از صفحه آخر

تم دیگر این کنفرانس در دو بخش مجزا از هم ، مورد بررسی قرار خواهند گرفت ، که عبارتند از :

۱ – امکانات مناسب کنونی در حرکت توده های مردمی به سوی سوسیالیسم در کشورهای واقع در بخش مرکز ( شمال) مسلط جهان و پیشینه ها و ارثیه های پربار این حرکت در تاریخ آن کشورها .

۲ – موقعیت امیدوارکننده کنونی خلق های کشورهای واقع در بخش پیرامونی ( جنوب ) در بند جهان و پیشینه طوفانی و ارثیه های پر از دستآوردهای حرکت تاریخی سوسیالیسم در آن کشورها .

## ویژگی اصلی صف آرائی نوین درجهان پر تلاطم کنونی

- تشدید و افزایش تلاطمات و ناآرامی های سیاسی و اجتماعی و ازدیاد روزانه فهرست کشورهای درگیر این اوضـاع در اکناف جهان نشانه های نمایان از این امر هستند که نظام جهانی سرمایه وارد فاز جدیدی از دوره بحران عمیق ساختاری خود ( که پیشینه شکلگیری و رشدش به نیمه اول دهه ۱۹۷۰ می رسد) می گردد. تا این اواخر رسانه های گروهی جاری و رسانه های اجتماعی و بدیل در جهان، تمرکز گزارشاتی و تحلیل های خود را عمدتا بر روی کشورهای مشمول «بهار عربی»، سوریه و ... گذاشته بودند. امروز بیشترین تمرکز ها متوجه اوکرائین، سوریه، جمهوری آفریقای مرکزی، عراق و پاکستان، قرار دارند. در ماه های آینده ما شاهد تمرکز رسانه ها، دولتمردان و توده های مردم بر سر کشورهای نیجریه، کلمبیا، کنیا، مالزی و... خواهیم شد که در حال حاضر چندان در مد نظر نیستند.

- بدون تردید این تلاطمات و ناآرامی ها (که ابعادشان جهانی تر، عمیق تر و فراگیرتر از هر زمانی در تاریخ مدرن جهان است) منبعث از گسترش امپراتوری آشوب و پر از فلاکتی است که معلول بحران عمیق ساختاری نظام جهانی است: نظامی که خودش از نظر شکل و شمایل و مدیریت در حال تحویل و تحول (از تک قطبی و تک محوری به دو قطبی و دو محوری و حتی چند قطبی و چند محوری) است. بررسی اوضاع رو به رشد پر از تلاطمات و آشوب های رو به پیش نشان می دهد که بالائی ها (اولیگارشی های طبقات حاکمه فرمانبر «انحصارات پنجگانه») چه در کشورهای مسلط مرکز نظام و چه در کشورهای دربند پیرامونی و نیمه پیرامونی نظام دیگر قادر نیستند که پائینی ها ( توده های زحمتکش و ستمدیده جهان) را مثل گذشته ها رام و مطیع منقاد خود سازند. پائینی های به ستوه آمده نه تنها از فرامین بالائی ها سرپیچی می کنند بلکه در موارد متعدد و متنوع نیز آنها را حتی مورد تحمیق قرار می دهند . این وضع در واقع یک روند نوینی است که در مسیر آن سیاست فشار از «پائین به بالا» در تقابل و ضدیت با سیاست حاکم فشار از «بالا به پائین» قرار گرفته و توده های مردم در پنج قاره جهان بالائی ها را به چالش می طلبند: چالشی که بُعد جهانی و عمق دگرگون سازی آن در تاریخ بشر بی نظیر است.

- در پرتو این اوضاع و در چهارچوب این روند نوین (جابجا شدن فشار از بالا به پائین به فشار از پائین به بالا) اکثر شرکت کنندگان سخنور در کنفرانس «فوروم چپ» که در اقتصاد سیاسی و ژئوپلتیکی از یک سو و در جامعه شناسی نظام سرمایه از سوی دیگر صاحب نظر هستند، تم اصلی فوروم چپ را تحت یک پرسش قابل بحث و مناسب مطرح ساختند که در اینجا بعد از طرح آن به تشریح جنبه های متعدد آن می پردازیم.

## آیا می توان برای سرمایه داری آینده ای متصور شد؟

- بحران ساختاری نظام سرمایه در فاز فعلی جهانی گرائی = گلوبالیزاسیون (بازار آزاد نئولیبرالی) و آشوب ها، قیام ها و تلاطمات روزانه و فراگیر منبعث از آن در سراسر جهان باعث شده که شرکت کنندگان (به ویژه سخنور) نظرات متنوع و متفاوتی را درباره آینده سرمایه داری واقعا موجود چه دولتی و چه خصوصی، ارائه دهند. آنچه که این تجزیه و تحلیل ها ، معاینه ها، نسخه پیچی ها و آینده نگری ها از سوی این پژوهشگران و فعالین آن کنفرانس، قابل تامل و حائز اهمیت می سازد، نظرگاه مشترک تعداد قابل توجهی از این شرکت کنندگان صاحب نظر است که جملگی آینده ای برای سرمایه داری متصور نبوده و انحطاط و سقوط و حتی اضمحلال آن را در آینده ای نه چندان دور تخمین زده و محتمل می دانند.

- با عطف به تاریخ سرمایه داری و به ویژه در دوره ۱۳۰ ساله انحصاری آن (از دهه ۱۸۸۰ تا کنون) این اولین بار است که دانشوران و محققین علوم اقتصاد سیاسی و جامعه شناسی نظام جهانی سرمایه که تعدادی از آنها خود را ضرورتا چپ رادیکال دگرگون ساز و یا برانداز محسوب نمی کنند، بر آن هستند که از عمر نظام کنونی (سرمایه داری واقعا موجود) بیش از سه تا چهار دهه باقی نمانده است.

- خیلی از صاحب نظران به تبعیت از امانوئل والرشتاین و دیگر مارکسیست های متعلق به مکتب نظام جهانی سرمایه بعد از بررسی سیکل های کندراتیو و هژمونیکی که عموما به عنوان مکانیزم های موثر، سرمایه داری را در گذشته از بحران های فصلی و حتی یک بار ساختاری در سال های عهد زیبا (صلح مسلح ۱۹۱۴-۱۸۷۳) عبور داده و دوبـاره با تامین بهبودی آن موفق به بقای سرمایه داری می گشتند، امروز بر آن هستند که در طی ۳۰ تا ۴۰ سال آینده بقای نظام توسط آن مکانیزم ها غیر قابل وصـول و حتی ناممکن خواهد گشت. توضیح اینکه نیروی تمام امکانات و مکانیزم ها برای افزایش انباشت سرمایه به آخر خط رسیده و با فرسودگی ، بی ربطی و خستگی غیر قابل علاجی، روبرو گشته است. ناکامی و اخته گشتن این مکانیزم ها به ویژه در حیطه هژمونیکی در بازتولید، لاجـرم نظام جهانی سرمایه را به سوی پراکندگی و انحلال و بالاخره فرو پاشیدگی سوق خواهند داد. در اینجا به طور اجمالی به دو مکانیزم که امروز برخلاف گذشته به ضعف های درازمدت ساختاری در درون نظام تبدیل شده اند، می پردازیم.

- توسل به جنگ هـای گوناگون مرئی، نامرئی و نیابتی در سطح کشوری ، منطقه ای، قاره ای و حتی جهانی. این جنگ ها و دیگر ماجراجوئی هـای میلیتاریستی مکانیزم ها و وسایلی بودند که نظام سرمایه با برپائی آنها در گذشته قادر می گشت که از بحران های گوناگون موقتی و فصلی و حتی ساختاری با موفقیت عبور کرده و به طور مشخص به درجه گسترش هژمونیکی خود، بیافزاید. بررسی تاریخ نشان می دهد که این امر در دوره هژمونی امپراطوری انگلستان از دهه ۱۸۵۰ تا ۱۹۱۴ و سپس در دوره بین دو جنگ ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵ (دوره رقابت خونین بین آلمان و انگلستان بر سر رهبری هژمونیکی بر جهان) و متعاقبا در دوره هژمو نی آمریکا (از پایان جنگ جهانی دوم تا سال های آغازین قرن بیست و یکم) به قوت خود باقی مانده بود. ولی امروز مکانیزم جنگ های «بی پایان» ساخت آمریکا در اکناف جهان نه تنها کوچکترین علامتی از عبور (از بحران ساختاری) را نشان نمی دهد بلکه تصویر بیش از پیش ناکامی های نظام حتی

در گستره آخرین اهرم اش (میلیتاریسم و جنگ) را به طور رسوا کننده، در مقابل جهانیان ترسیم می کند .

- علاوه بر ناکامی در جنگ های بی پایان و دیگر ماجراجوئی های نظامی، امپریالیسم سه سره در یک گستره عظیم دیگر نیز با شکست و ناکامی روبرو گشته و بیش از پیش با فرتوتی و ناتوانی خود بحران ساختاری عمیق خود را بر ملا می سازد. این ناکامی فرود و زوال تدریجی طبقه متوسط خرده بورژوازی است که سنتاً همواره پایگاه اجتماعی-سیاسی که تعیین کننده ثبات و رشد سرمایه در تاریخ پانصد ساله سرمایه داری محسوب می گشت. با اینکه جابجائی و درماندگی نیروهای کار دستی منبعث از عروج تلاطمات و تحویل و تحولات تکنولوژیکی توسط مارکس و انگلس و سپس مارکسیست ها در تاریخ تکامل سرمایه داری به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته اند ولی جابجائی، دربدری و افول طبقه متوسط خرده بورژوازی به ویژه در کشورهای مسلط مرکز (شمال) در زمان حال به خاطر تحولات و دگرگونی های تکنولوژیکی به ویژه در گستره های دیجیتال و اینترنت یک پروسه بی نظیر در تاریخ ۱۳۰ ساله سرمایه داری انحصاری است. مسئله دگرگونی (اتمیزاسیون و اتوماتیک سازی) به قدری نیروهای کار متعلق به طبقه متوسط خرده بورژوازی را جابجا، درمانده و بیکار ساخته که نظام سرمایه داری برخلاف دوران گذشته دیگر قادر به حل آن به نفع بقای خود نیست.

- تضعیف و نزول طبقه عظیم متوسط در کشورهای مسلط مرکز نظام باعث گشته که قدرت خرید و فروش در بازارها (که بعد از استثمار مستقیم طبقه کارگر و اشتعال جنگ های مرئی و نامرئی در اکناف جهان بزرگترین منبع انباشت سرمایه، محسوب می شود) به کلی و به طور قابل ملاحظه ای تقلیل یابد . در یک کلام تضعیف و نزول طبقه متوسط خرده بورژوازی به ویژه در کشورهای متروپل که در تاریخ بزرگترین منبع و پایگاه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سرمایه داری بوده و هنوز هم هست همراه با تشدید پروسه سیاست زدائی در بین این طبقه و نتیجتاً افول دموکراسی بورژوائی، نظام جهانی سرمایه را در سراشیب تخریب و سقوط قرار داده است.

اگر اوضاع بر این منوال پیش رود درصد بیکاری در سال های ۲۰۲۰ میلادی در درون نظام جهان حاکم فعلی (شامل بخش پیرامونی و هم بخش مرکز نظام) به ۵۰ در صد و سپس در دهه ۲۰۳۰ م به ۷۰ در صد خواهد رسید. شایان ذکر است که این دفعه در صد بیکاری در کشورهای مسلط مرکز برخلاف دوره های گذشته سرمایه داری چشمگیرتر و فراتر از کشورهای دربند پیرامونی خواهد بود . در پرتو این شرایط بحرانی می توان اذعان کرد که کلیت نظام حاکم سرمایه داری در مسیر افول و فرود پر از آشوب و پراکندگی، قرار گرفته است.

## نتیجه اینکه

- در حالی که نظام تاریخی کنونی (سرمایه داری واقعا موجود) در سراشیب آشوب و انحلال قرار گرفته ما شاهد یک کارزار شدید تاریخساز بر سر چه نوع نظام تاریخی جدید جای این نظام بی ربط و در حال مرگ را خواهد گرفت، هستیم. بدون تردید، در آینده نه چندان دور بشریت در درون نظام کنونی سرمایه داری زندگی نخواهد کرد ولی خیلی ممکن است که ما در درون یک نظام بدتر – «هیولای وحشتناکی» که تقلا می کند متولد گردد – در غلطیم. مطمئناً این فقط یک بدیل است که بالائی های یک درصدی با گسترش امپراتوری آشوب و ایجاد هولوکاست و آپارتاید جهانی تقلا خواهند کرد که بر بشریت زحمتکش جهان، اعمال کنند. بدیل انتخابی دیگر که آن نیز در حال تولد است ، نظامی خواهد بود که به طور نسبی دموکراتیک و برابر طلب و کم هیرارشی تر و لاجرم با چشم اندازهای سوسیالیستی قرن بیست و یکم خواهد بود. کدام یک از این بدیل ها در آخر این کارزار تاریخساز و تعیین کننده نظام جهانی آینده ما را در بر خواهد گرفت بسته به همت و جسارت ما پائینی ها خواهد داشت. آنچه که گذشته روزگار به ما می آموزد این حقیقت عینی است که بشریت زحمتکش هر زمانی بر سر دو راهه رسیده مسیر جهان بهتر را انتخاب کرده است

## منابع و مآخذ

۱ – امانوئل والرشتاین، «مرکز مسلط دیگر در کنترل کامل نیست» در نشریه بینگمتن یونیورسیتی، ۱۵ ماه می ۲۰۱۴ م.
۲ – کنفرانس فوروم چپ، میز بحث «استراتژی انقلابی لنین برای عصر ما» نیویورک ، ۳۰ ماه می ۲۰۱۴م.
۳ - کنفرانس فوروم چپ ، میز بحث «مجمع عمومی جنبش توده ا» نیویورک، ۳۱ ماه می ۲۰۱۴ م.
۴ - کنفرانس فوروم چپ ، میز بحث «جنگ های امپریالیستی و نابودی جهانی اکولوژی» نیویورک ۳۱ ماه می ۲۰۱۴ م.
۵- امانوئل والرشتاین، «جهان ما در کدام جهتی حرکت می کند» نیویورک ۲۰۰۷.

**بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.**

# درجنبش جهانی کمونیستی

## فراخوان ایکور درمورد روز ضدجنگ 2014

100 سال بعداز شروع جنگ جهانی اول و 75 سال بعد از شروع جنگ جهانی دوم با بیش از 60 میلیون کشته، اساسا از توده های کار، خطرجنگ مجددا درجهان افزایش می یابد.
به خاطر گسترش مناطق تحت نفوذ شان، انتقال باربحران فزاینده بردوش پرولتاریا و خلقهای تحت ستم، جلوگیری ازخیزش گامهای انقلابی و انعکاسی ازافزایش تضادهای درون امپریالیستی طی 7 دهه ی بعداز جنگ جهانی دوم جنگهای محلی زیادی در سراسرجهان توسط قدرتهای امپریالیستی ، به ویژه امپریالیسم آمریکا، شیوع داده شده است .
اززمان جنگ کره در دهه ی 1950 تا کنون، این جنگها ویرانیهای بزرگ، تخریبهای هول انگیزی توسط نظام امپریالیستی را باعث شده اند.
6 اوت ، 69 مین سالگرد فرو ریزی بمب اتمی آمریکا روی هیروشیما و سه روز بعد ناکازاکی بود. ما یاد 265000 قربانی درمرگ نفرت انگیز قرارگرفتن در محل انفجار یا تشعشعات اتمی و 120000 قربانی که زنده مانده و طی طولانی مدت زجرکشی بعدا جان باختند را گرامی می داریم. ایکور فراخوان برگزاری روز ضدجنگ 2014 را به مثابه روز هم بسته گی با قربانیان محلی و منطقه ای جنگهای صورت گرفته توسط امپریالیستها، به ویژه امپریالیستهای آمریکا وتشدید مقاومت دربرابر نظام بربرمنش امپریالیستی و نوکرانش را می دهد.
رشد درگیریها در سوریه، عراق، افغانستان و غرب و شمال آفریقا نشانه **شکست سیاست ضد ترور امپریالیستی** است.
باوجوداین، آمریکا دردرجه اول به مثابه جنگ افروز عمده و "ژاندارم جهانی" نامیدن خود بدون وقفه خود را مسلح می سازد.

بقیه در صفحه ۱۵

# تشدید تضاد امپریالیستها

## «ما به توسعه و تقویت نظامی ناتو واکنش نشان خواهیم داد!»: نقل قولهای پوتین از سخنرانی وی در مورد سیاست دفاعی

۲۲ ژوئیه ۲۰۱۴، مرکز تحقیقات جهانی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه جلسه ای را با اعضای دائمی شورای امنیت روسیه در روز ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۴ برگزار کرد.
(RIA Novosti / Ekaterina Shtukina), 7773154, FacebookTwitterRedditStumbleUponGoogle+Tumblr, Trends
مسکو به گسترش ناتو به سمت مرزهای روسیه پاسخ خواهد داد، سخنانی بود که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در جلسه اضطراری شورای امنیت در مسکو عنوان کرد. در اینجا به نقل قولهای کلیدی او در مورد دفاع روسیه، تحریم های غرب، و اعمال خشونت در شرق اوکراین توجه شما را جلب می کنیم.

**در مورد سیستم موشکی ناتو و دفاع روسیه**

سپر دفاع موشکی نزدیک مرزهای روسیه، بخشی از سیستم تهاجمی ایالات متحده می باشد. نیروهای ناتو در کشورهای اروپای شرقی، هم مرز با روسیه، حضور نظامی خود را تشدید کرده اند و کشتی های جنگی به دریای بالتیک و مدیترانه به دلیل تشدید بحران در اوکراین گسیل کرده اند. ناتو هم چنین اعلام کرده است که بودجه جدیدی را برای دفاع از اوکراین به تصویب رسانده است، و روسیه را عامل بی ثباتی در اوکراین معرفی کرده است.
در روز سه شنبه گذشته پوتین خاطرنشان کرد: « ما باید پاسخ مناسب و کاملاً محاسبه شده ای به گسترش ناتو به سمت مرزهای مان را فراهم سازیم و باید توجه داشته باشیم که (غرب) معماری یک دفاع موشکی

بقیه در صفحه ۱۸

# پیرامون صف آرائی نوین در سطح جهانی

- اخیرا یازدهمین کنفرانس سالانه «فوروم چپ» در روزهای ۳۰ و ۳۱ ماه مه و اول ماه ژوئن ۲۰۱٤ میلادی در شهر نیویورک برگزار گردید . عنوان اصلی این کنفرانس «رفورم و یا انقلاب : آیا تصور جهانی دیگر با عدالت دگرگون ساز، امکان دارد؟» بود که در ٤۰۰ گروه مباحثه و پانل (میز بحث) توسط بیش از ۲۵ حزب و سازمان چپ عمدتا رادیکال از منظرهای متنوع و گوناگون البته با چشم انداز های سوسیالیستی و مارکسیستی، مورد تجزیه و تحلیل و تبادل نظر سخنوران، مفسرین و شرکت کنندگان قرار گرفت.
- نگارنده که امکان و افتخار شرکت در این کنفرانس را داشته و در دو میزگرد درباره «روابط ایران و آمریکا» و «بحران اوکرائین در چهارچوب اوضاع جهان» صحبت کرده، موفق به جمع آوری تم ها و خلاصه سخنرانی های متعدد در این کنفرانس گشت که چکیده بخشی از آنها را از این شماره به بعد با خوانندگان عزیز سهیم می شود.
- در این شماره بعد از توضیح اجمالی تم اصلی کنفرانس درباره ویژگی صف آرائی نوین و فراگیر در جهان پرتلاطم کنونی (پائینی ها در تقابل و در مبارزه با بالائی ها) به بررسی یک پاسخ تحلیلی به یک پرسش مهم : آیا می توان برای بقای سرمایه داری آینده ای متصور شد ؟، می پردازیم .
- در شماره های آینده این نشریه نکات مهم

بقیه در صفحه ۲۰

## با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پُست الکترونیکی نشریه رنجبر:
ranjbar.ranjbaran@yahoo.com
آدرس پُست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :
ranjbaran.info@yahoo.com
آدرس غُرفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org

آدرس پُستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A